

## ■ مدرس و دیدگاههای فقهی

عبدالرضا فاضلی

و منظور از آن عبارت بود از مجموعه احکام شرعی و وظایفی که از جانب شارع مقدس مقرر شده است. با پیدایش علوم اسلامی و اختلاف نظر در احکام عملی و نیاز به استخراج آن از ادله معتبره شرعی، اصطلاح جدیدی در معنای فقه به وجود آمد که تا به امروز نیز ادامه داشته است.

بنابراین اصطلاح جدید فقه عبارت است از فهم دقیق و استنباط مقررات عملی اسلامی از منابع و مدارک تفصیلی مربوط به آن.<sup>(۲)</sup> گاهی نیز به معنی مجموعه مسایل شرعی عملی استنباط شده و آرای مستدل فقها اطلاق می‌شود.<sup>(۳)</sup> حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی نیز می‌فرماید: فقه، تئوری واقعی و

### پیش نوشتار

«فقه» در لغت به معنی علم و معرفت و فهم و هوش (فطنه) آمده است و در اصطلاح فقها به بخشی از شریعت گفته می‌شود که مربوط به احکام عملی انسان در ارتباط با خدا و خویشین و دیگران است. معنای کلمه فقه در اسلام تحولاتی به خود دیده و در معانی مختلفی به کار رفته است. قرآن این کلمه را بیشتر بر علم دین به مفهوم عام آن اطلاق کرده است. «فلو لانفر من کل فرقة منهم طائفة لیستفقّوها فی الدین ویسنظروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلّهم یحذرون»<sup>(۱)</sup> به این لحاظ تفقه بیانگر تصور درست از اندیشه اسلامی و احکام الهی است.

به تدریج با تقسیماتی که در معنی دین و مفهوم شریعت اسلام به وجود آمد، فقه به بخش احکام مربوط به اعمال اطلاق گردید

۱- قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۲۲

۲- مقداد فاضل، ضد القواعد الفقهیه، ص ۵

۳- جمال عبدالناصر، مؤسوعه الفقه الاسلامی، جلد ۱۰،

ص ۱۲۲.

امامت و خلافت، نصب امرا و قضات، مأموران جمع آوری وجوهات شرعی، مؤلفه قلوبهم، دعوت به اسلام، جمعه و جماعات، آداب خطبه‌ها و برگزاری مراسم عید، صلح و قرارداد با دولتهای دیگر، تولی و تبری، همکاری با حاکمان و نظایر آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم مطرح شده است که به آنها فقه سیاسی گفته می‌شود.

فقه سیاسی نیز تحولاتی را به خود دیده است. این تحولات را می‌توان از دو بعد تکوین و تدوین مورد مطالعه قرار داد. دوره تکوین و تدوین فقه سیاسی به عصر نزول قرآن و دوره زمامداری پیامبر اسلام (ص) و سنت آن حضرت در مقام ریاست دولت اسلامی باز می‌گردد که در این دوره خطوط کلی فقه سیاسی در زمینه مسایل حکومت، جهاد، تولی، تبری، صلح و معاهده، دیپلماسی، سیاست خارجی و نظایر آن توسط وحی (قرآن) و سنت پیامبر اکرم (ص) تعیین شد و سپس در خلال احادیث اهل بیت (ع) تشریح گردید.

● نطق مدرس در جلسه ۲۸۴ دوشنبه ۲۱ جوزا، ۱۳۰۲، ۲۵ شوال ۱۳۴۱ مجلس چهارم: «ما نسبت به همه ملل دوست هستیم چه شرق و چه غرب و چه شمال و چه جنوب تا زمانی که متعرض نگردند یا آنان روابط حسنه داریم ولی هر گاه متعرض شوند متعرض آنان خواهیم شد»  
● نطق مدرس در دوره ششم جلسه ۱۰۹ (دوم خرداد ۱۳۰۶): «مملکت، مستقل

←

کامل انسان و اجتماع از گهواره تا گور است.<sup>(۴)</sup> در علم فقه و وظیفه فقیه تعیین تکلیف عملی هر حادثه زندگی انسان و موضوع آن احکام شرعی و یا عملی از نظر استنباط از ادله است.

یکی از مهمترین جلوه‌های تحول در فقه، کیفیت دسته‌بندی مباحث فقهی و دگرگونی‌هایی است که در اعصار مختلف و به گونه‌های متفاوتی در این زمینه به وجود آمده است. شایع‌ترین دسته‌بندی در فقه سنی تقسیم ابواب فقه به دو گروه عبادات و معاملات است که در عین حال قدیمیترین دسته‌بندی فقهی نیز محسوب می‌شود. ولی امروزه در زمینه تحریر، آموزش و تحقیق فقه دسته‌بندی زیر بیشتر به چشم می‌خورد:

۱- فقه عام: که به همه مباحث فقهی اطلاق می‌شود.  
۲- فقه عبادی: که مباحث مربوط به عبادات اسلامی را شامل می‌شود.  
۳- فقه قضایی: که شامل مباحث مربوط به آیین دادرسی و طرق اثبات دعوا و نظایر آن است.

۴- فقه خانواده: که شامل مباحث مربوط به ازدواج، طلاق و ارث و وصیت می‌شود.  
۵- فقه مدنی: که شامل ابواب مختلف عقود معین است.

۶- فقه اقتصادی: که مسایل مربوط به مالکیت و انواع آن و وظایف مالیه را در بر می‌گیرد و گاه با فقه مدنی به عنوان فقه اقتصادی مطرح می‌شود.

۷- فقه سیاسی: در فقه مباحثی تحت عنوان جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حسیبه،

۴- رهنمودهای امام امت به مراجع، روحانیت، مدرسین و طلاب سراسر کشور، ۱۳۶۷/۱۲/۳.

# پیامان

فقهی پویا و کارآمد، از حریم مکتب پاسداری می نمودند.

در میان این گروه، شهید مدرس به عنوان سردمدار شعار معروف «سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست» به عنوان مجتهدی طراز اول، نه تنها مباحث نظری فقه شیعی را در سطح بالایی فرا گرفته و تدریس نمود، بلکه این فرصت را نیز یافت که با حضوری مستمر در پنج دوره مجلس شورای ملی، تصویب قوانین اسلامی و اجرای آن در جامعه آن روز ایران را تجربه نماید.

پژوهش حاضر در آستانه سالروز شهادت این شهید بزرگوار و «روز مجلس» به عنوان اثری نو در نوع خویش به بررسی مواضع فقهی شهید مدرس در پنج دوره مجلس شورای ملی می پردازد. در این پژوهش به اختصار مقام علمی و فقهی شهید مدرس و مهمترین مواضع فقهی این فقیه والامقام و مبارز در دوره های دوم تا ششم مجلس شورای ملی بررسی شده است.

## ۱- شخصیت علمی و فقهی مدرس

مرحوم حضرت آیت الله سید حسن طباطبایی (مدرس) در سال ۱۲۸۷ هجری قمری در روستای «سرابه - کچو» از توابع زواره اردستان در خانواده ای روحانی متولد

عملکرد پیامبر اکرم (ص) ضمن تأسیس قواعد کلی فقه سیاسی، نمونه ها و تجربیات عینی نظریه های اسلام را نیز ارائه داد و موفقیت حضرت رسول اکرم (ص) در اجرای احکام تأسیسی اسلام در زمینه مسایل سیاسی به طور ضمنی حقایق و صلاحیت و اتقان این احکام را نیز ثابت نمود و بدین ترتیب رسول خدا (ص) هم در تأسیس و هم در اجرا اسوه شناخته شد.<sup>(۵)</sup>

از صدر اسلام تاکنون در ارتباط با جانشینی پیامبر اکرم (ص) و نوع و شیوه حکومت به ویژه در عصر غیبت رویکردهای مختلفی را در قبال اوضاع سیاسی - اجتماعی که آثار و تبعات بسیاری را در فرهنگ جوامع اسلامی و مباحث مربوط به فقه سیاسی در پی داشته است، می بینیم. اختلاف در مواضع فقهی در مورد نظام سیاسی اسلام و شیوه حکومت اسلامی تنها محدود به بخشهای اعتقادی و حقوقی میان تشیع و تسنن نبوده و حتی نوع نگرش علمای شیعه را نیز شامل می شود. در حالی که بسیاری با پذیرش حکومتیایی که قالب و ظاهر مذهبی یافته بودند، جدایی دین از سیاست را ترویج نموده و یا در برابر ظلم و تحریف حکام جور به اصطلاح «تقیه» را پیشه می کردند، عده ای دیگر با تمسک و باور به جامعیت تعالیم اسلامی و لزوم ایجاد نظام سیاسی و حکومتی اسلام به منظور اجرای احکام الهی و پاسخگویی به نیازهای جوامع بشری، با اتخاذ مواضع

۵- عیاضی عمید زنجانی، فقه سیاسی، (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷)، جلد دوم، صص ۱۰ تا ۶۴.

**تحصیل مدرس در حوزه علمیه اصفهان**  
 سید حسن طباطبایی که بعدها به سید حسن مدرس مشهور شد، در شانزده سالگی راهی حوزه علمیه اصفهان گردید. حوزه علمیه اصفهان در آن عصر از جمله مراکز نادر و غنی علم و حکمت در ایران و جهان اسلام به شمار می‌رفت و علمای بزرگی مانند آیت‌الله میرزا عبدالعلی نحوی هرنندی، حضرت آیت‌الله سید محمد باقر درچه‌ای، آیت‌الله سید صادق خاتون آبادی، شیخ مرتضی ریزی و شیخ عبدالکریم گزی و عرفا و حکمای نامداری مثل آخوند ملا محمد کاشانی و میرزا جهانگیرخان قشقای در این حوزه به تربیت طلاب مشغول بودند. مدرس خود در این باره چنین می‌گوید:

«... سیزده سال در اصفهان مشغول تحصیل بودم، در ۲۱ سالگی پدرم مرحوم شد، مدت توقف در اصفهان ۱۳ سال شد. قریب ۳۰ نفر استاد را در

بودنش به دو چیز است یکی وزارت امور خارجه‌اش و یکی هم رابطه‌اش با ممالک دیگر، مملکت ما باید به همه جا در داشته بسازد این معنای استقلال است نباید سفارت‌خانه‌ها و قنصل‌خانه‌ها را در دنیا عظمت داد هر مأموری که از خارجه می‌آید این جا مرا که یک نفر وکیل و آخوندم و با هیچ کس مربوط نیستیم می‌شناسد تاریخم را می‌داند سجل احوالم را می‌داند، حتی زمانی

←

شد. پدرش سید اسماعیل و جدش میرعبدالباقی از فرزندان میرعابدین طباطبایی زواره‌ای بودند. سید حسن مدرس در خانواده علم و عرفان رشد یافت و پدرش عالم و مبلغ متعهدی بود که زندگانی خویش را وقف خدمت به اسلام و مسلمین نموده و بیشتر ایام سال را برای وعظ و تبلیغ اسلام و اصلاح و ارشاد مردم در مهاجرت و دور از دیار و خانواده خویش به سر می‌برد. شهید مدرس خود درباره پدر بزرگوارش چنین می‌گوید:

«... پدر من سید اسماعیل و جدم میرعبدالباقی از طایفه میرعابدین زواره و از سادات طباطبایی می‌باشند. شغل جد و پدرم وعظ و خطابه و تبلیغ احکام شریعت الهی بوده است...»<sup>(۶)</sup>

میرعبدالباقی در زمان حیات خویش آموزش و پرورش سید حسن را متکفل شد و در وصیتنامه‌اش او را به ادامه تحصیل علوم دینی و باقی ماندن در کسوت طلبگی تشویق و سفارش نمود. مدرس درباره مقام زهد و تقوای جد خود، میرعبدالباقی می‌گوید:

«... جد من میرعبدالباقی از مبلغین اسلام و زهاد زمان خود به شمار می‌آمد، او از زواره به قمشه واقع در جنوب اصفهان مهاجرت کرده بود. در حالی که من شش سال بیشتر نداشتم، جدم تعلیم و تربیت را عهده‌دار گردید. زمانی که او به رحمت خدا پیوست من چهارده ساله بودم و طبق وصیت او بعد از گذشت دو سال از مرگش برای ادامه تحصیل به اصفهان رفتم...»<sup>(۷)</sup>

۶- سید محسن امین، اعیان الشیعه، (بیروت: دارالتعارف للمطبوعات)، جلد ۵، ص ۲۱.

۷- همان، ص ۲۱.

# پادمان

را اختیار کردم. علما و بزرگان آن زمان را مستقیماً و تیرکاً کلاً درک کردم و از اغلب استفاده نمودم، ولی عمده تحصیلات من خدمت مرحومین مغفورین حاجتین کاظمین خراسانی و یزدی بود. تشرف من در عتبات تقریباً هفت سال شد، بعد مراجعت به اصفهان نمودم...»<sup>(۹)</sup>

مدرس هنگامی که در عراق به تحصیل مشغول بود یکی از چهره‌های علمی سرشناس و معروف حوزه علمیه نجف اشرف به شمار می‌رفت. دوستان عالم و فاضلی که مدرس در محضر درس خارج آیات عظام خراسانی، یزدی، شریعت اصفهانی و ... با آنها معاشر و مأنوس بود، عبارت بودند از: حضرات آیات سید اسماعیل صدر، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید مصطفی کاشانی، سید ابوالقاسم کاشانی، شیخ ابوالقاسم ملایری، سید محمدتقی خوانساری، شیخ محمد حسین غروی (نایینی)، شیخ فضل‌الله نوری، شیخ محمد ملایری، شیخ حسین یزدی، سید هبه‌الدین شهرستانی، سید محمد صادق طباطبایی، سید محمود مرعشی، سید علی کازرونی، سید ابوالحسن اصفهانی و ...

این بزرگواران بعدها مصدر امور مسلمین در امر دین و سیاست شدند و هر

این مدت در علوم عربیه و فقه و اصول و معقول درک کردم که از برجسته‌ترین آنها در علوم عربیه مرحوم آقامیرزا عبدالعلی هرندی نحوی بود که تقریباً ۸۰ سال عمر داشته، صاحب تصانیف زیاد ولی از بی‌اقبالی دنیا محجور ماندند. و در علم معقول مرحومین جهانگیرخان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشانی که هر دو عمر خود را در مدرسه صدر اصفهان به آخر رسانیده به وضع زهد دنیا را وداع فرمودند...»<sup>(۸)</sup>

مدرس زمانی که در اصفهان به تحصیل مشغول بود در روزهای تعطیلی حوزه و ایام و فیات و شهادتها به فرا گرفتن حکمت، فلسفه و عرفان همت می‌گماشت و آخوند ملا محمد کاشانی که نبوغ و خلوص نیت و جدیت او را دریافته بود به آموزش خصوصی وی می‌پرداخت.

تحصیل مدرس در حوزه علمیه نجف اشرف مدرس به دنبال سیزده سال توقف در اصفهان و تحصیل علوم دینی، پس از نهضت تحریم تنباکو برای تکمیل تحصیلات خویش راهی نجف اشرف شد. وی در این باره می‌گوید:

« ... بعد از واقعه دخانیه به عتبات عالیات مشرف شدم. بعد از تشرف حضور حضرت آیت‌الله حاجی میرزا حسن شیرازی رحمت‌الله علیه به جهت تحصیل، توقف در نجف اشرف

۸- حسین مکی، مدرس قهرمان آزادی، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸)، جلد ۱، ص ۵۰ تا ۵۱

۹- همان، ص ۵۱

کرده است. وی آثار و نوشته‌های متعددی داشته که اغلب آنها (به صورت دست‌نویس) هنگام یورش مأموران رژیم به منزل وی به یغما رفته و مفقود شده و جز چند نسخه چیزی باقی نمانده است. ما در این جا به تعدادی از آثار و تألیفات متعدد وی اشاره می‌کنیم: (۱۰)

حاشیه بر کفایه آخوند ملامحمد کاظم خراسانی، رساله در عقود و ایقاعات، رساله در شرط متأخر، رساله در لزوم و عدم لزوم قبض در موقوفه، کتاب حجیة الظن، کتاب در بعض احوال ظن فی اصول الدین، کتاب در بحث استصحاب، رساله در شرایط امام و مأموم، رساله در عقود، دوره تقریرات اصول میرزای شیرازی، شرح ساده بر نهج البلاغه، کتاب روز، خوفنامه، یادداشتهای سیاسی، رسائل الفقهیه، حاشیه بر کتاب النکاح مسجد شاهی، رساله در ترتب (در علم اصول فقه)، شرح رسائل، تقریرات میرزا حسین خلیلی رازی

کدام مرجعیت حوزه خاص و منطقه معینی را در عالم اسلام عهده‌دار گردیدند. برخی از آنان نیز مانند حضرات آیات عظام حاج سیدابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و حاج سیدمحمد تقی خوانساری مرجعیت عامه تقلید یافتند و زعامت حوزه‌های علمیه عالم تشیع را بر عهده گرفتند.

### استادان مشهور مدرس

شهید مدرس محضر استادان متعدد و مختلفی را درک کرده و از آنها بهره‌های فراوان علمی و معنوی برد. به دلیل عدم وجود مجال لازم به معرفی دقیق آنها، فقط به ذکر نام تعدادی از مشهورترین آنها اکتفا می‌کنیم:

میرعبدالباقی طباطبایی، شیخ عبدالعلی هرنیدی، شیخ مرتضی ریزی، سید محمدباقر درچه‌ای، میرزا جهانگیرخان قشقایی، آخوند ملامحمد کاشانی، سید محمد صادق اصفهانی خاتون آبادی، شیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی، میرزا حسین خلیلی، میرزا محمدتقی شیرازی، سید محمد فشارکی، آخوند ملامحمد کاظم خراسانی، میرزا محمد حسن شیرازی، سید محمد کاظم یزدی.

### تألیفات و آثار قلمی مدرس

شهید مدرس علاوه بر اشتغال به امر تحقیق و تدریس، نویسنده و اهل قلم نیز بوده و آثار خویش را به طور عمد به زبان عربی نوشته است. نثر عربی وی از نثرهای ساده و بی‌تکلف علمی است. علاوه بر این، مدرس کتابهایی را نیز به زبان فارسی تألیف

که در کوهستان بودهام و شلغم می‌خوردهام می‌داند ولی مأمور ماکه می‌رود هیچ قانون و هدف و شرح وظیفه‌ای در دست ندارد وقتی می‌گوییم آنجا چه می‌کنی می‌گوید حفظ تبعه ایران و هر خاهم می‌رویم همان تبعه ایران می‌آید و از آن مأمور شکایت دارد»

● نطق مدرس در دوره ششم جلسه ۷۶ (بیست و شش اسفند ۱۳۰۵). «اگر تمام دنیا

۱۰- عبدالعلی باقی، مدرس مجاهدی شکست‌ناپذیر، (قم: انتشارات گوا، ۱۳۷۰)، ص ۳۲۸.

نجف اشرف، اصفهان و تهران به اصالت و ارزشمندی حوزه‌های علمیه و ضرورت ادامه حیات فعال این مراکز علم و تقوی عنایت فوق‌العاده‌ای داشت. وی معتقد بود که فضلا و طلاب باید خود را به دو سلاح علم و تقوا مسلح کنند، چرا که هیچ یک از این دو به تنهایی به کار نمی‌آید و مشکلی را حل نمی‌کند. سیداسماعیل مدرس (فرزند وی) در این باره می‌گوید:

« او همیشه به طلاب سفارش می‌کرد ترقی و تعالی هر قوم به علم است، اسلام فرا گرفتن علم را فریضه دانسته است، اما علم به تنهایی کافی نیست. مسلمانان باید به دو بال علم و تقوا مجهز باشند. انگلیسها علم دارند اما تقوا ندارند. اگر مسلمانان علم و تقوا داشته باشند، هیچ کس بر آنها مسلط نمی‌شود.»<sup>(۱۱)</sup>

مدرس معتقد بود که طلاب قبل از آموزش هر چیز دیگر باید ادبیات را خوب فرا بگیرند، چرا که ادبیات کلید تمام علوم است. وی ادبیات عرب را مفتاح همه علوم اسلامی و تحصیل و مطالعه مستمر آن را بسیار لازم و ثمربخش می‌دانست. فراگیری علم منطق را در حد ضرورت و آشنایی با اصطلاحات لازم می‌شمرد و غرق شدن بیش از اندازه در آن را اتلاف وقت تلقی می‌کرد. اما حکمت و فلسفه به ویژه فلسفه

شهید مدرس در خلال سالهای طولانی در حوزه‌های علمیه نجف اشرف، اصفهان و مدرسه سپهسالار تهران به تدریس فقه، اصول، منطق، فلسفه، اخلاق و نهج البلاغه مشغول بود. صبحهای جمعه نیز در منزل خویش برای عده‌ای از طلاب «اسفار ملاصدرا» را تدریس می‌کرد. در طول این مدت شاگردان زیادی از محضر پرفیض او بهره‌مند گردیده‌اند، ولی متأسفانه به دلایل مختلف این اشخاص تاکنون به طور دقیق شناسایی نشده‌اند. اسامی برخی از افرادی که مدتی نزد شهید مدرس تلمذ نموده‌اند به قرار زیر است:

میرزا علی آقای شیرازی، مهدی الهی قمشه‌ای، میرزا ابوالحسن شعرانی، سید کمال‌الدین نوربخش دهکردی، شیخ محمد حسین برهان، جلال‌الدین همایی، ابن یوسف شیرازی، بدیع‌الزمان فروزانفر، سیدعلی اصغر سدهی، سیدابوالحسن سدهی، صدر کوپایی، شیخ محمود مفید، شیخ محمدباقر الفت، شیخ محمدباقر نجفی، میرزا ولی‌الله جلیلی، محمد شریعت سنگلجی، سید مرتضی پسندیده، شیخ علی‌اکبر کلاردشتی، شیخ محمدعلی لواسانی، سید رضی لاهیجانی، ابن‌الدین آل آقا، شیخ‌الاسلام ملایری.

## مدرس و حوزه‌های علمیه

شهید مدرس در خلال مدت تحصیل و تدریس خود در حوزه‌های علمیه

۱۱- علی مدرس، مدرس، (تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۶)، جلد ۲، ص ۳۳۷.

بگذرانند. لذا در تصویب قانون نظام وظیفه در مجلس کوشش بسیار نمود و طلاب را نیز از انجام آن مستثنی نکرد. وی برای نظم، تحصیل و آموزش همه‌جانبه و آگاهیهای اجتماعی و سیاسی و نظامی طلاب اهمیت بسیار قائل و نسبت به امور حوزه‌ها بسیار حساس بود و آروز داشت که روزی حوزه‌های علمیه از نظر علم و عمل به حد مطلوب برسند.

### نظر تعدادی از علمای بزرگ دربارهٔ مقام علمی و فقهی مدرس

شهید مدرس عالمی زاهد و فیلسوف و سیاستمداری بزرگ بود و از استادان درجهٔ اول و مجتهد حوزه‌های علمیهٔ اصفهان و تهران به شمار می‌آمد. به دلیل مهارت فوق‌العاده در تدریس فقه و اصول، حکمت، فلسفه، عرفان و اخلاق و انصاف به زهد و تقوا، مورد قبول و علاقهٔ تعداد زیادی از مراجع و علمای بزرگ بود.

مرحوم میرزای بزرگ شیرازی (پرچمدار نهضت تحریم تنباکو) دربارهٔ مقام والای علمی مدرس می‌گوید:

«این اولاد رسول الله (ص)

لقمه بشود و در دهان عالم با عملی گذاشته شود باز حشش ادا نشده است ما که آمده‌ایم اینجا وکیل هستیم ولی نیستیم بنده از تمام موکلین خود که سی‌گروزر هستند یکی را سراغ ندارم که راضی باشد، حقوقمان را زیاد کنیم چون فقیرند بی چیزند ندارند می‌گویند مدرس بد است، و هزار عیب دارد ولی تا یک مدرس هزار عیبی نخواهد پیدا شود دو سه قرن طول دارد.»

الهی را هدف و مقصود اصلی که «بهتر است عمر انسان با اشتغال به آن به آخر برسد» محسوب می‌کرد. مباحثه یکی از شیوه‌های جالبی است که حوزه را از دانشگاه متمایز می‌کند، به همین دلیل شهید مدرس پیروی از این سبک و شیوه را لازم دانسته و بر ادامهٔ آن تأکید و سفارش می‌کرد.

وی عقیده داشت که علم و عمل باید توأم باشند و در غیر این صورت شاگردی را که بتواند برای جامعه مفید باشد نمی‌توان تربیت نمود. مدرس از این که تخصصهای گوناگون حوزه‌های قدیم و حوزهٔ علمیهٔ جدید رو به زوال بوده و بسیاری از علوم مهم در حوزه متروک و مهجور گردیده و طلاب فقط به آموزش فقه و اصول می‌پردازند، متأسف بود و آرزویش این بود که حوزه‌های علمیه یکبار دیگر جامعیت سابق خود را به دست آورند. وی برای این کار خود پیش‌قدم شد و نخستین اقدام عملیش این بود که در حوزهٔ اصفهان علاوه بر دروس متعارف حوزه، تدریس منطق، فلسفه و اخلاق را از روی نهج‌البلاغه آغاز کرد. اقدام جالب و ابتکاری دیگر وی در مدرسهٔ سپهسالار تهران، تدوین یک برنامهٔ آموزشی و پژوهشی برای نوشتن گروهی تفسیر جامعی برای قرآن کریم که متناسب با فهم و سطح فکر و فرهنگ مردم باشد، بود. مدرس معتقد بود که طلاب نباید در چهار دیواری مدارس محبوس بمانند، بلکه باید وارد اجتماع شده و با مسایل روز آشنا شوند. بر اساس همین اصل عقیده داشت که طلبه‌ها نیز باید دورهٔ نظام وظیفهٔ عمومی را



# پادمان

مرعشی حسینی (متوفای ۱۳۳۸)  
مذکره داشتند»<sup>(۱۳)</sup>

آیت‌الله حاج سید محمدرضا بهاء‌الدینی یکی از مجتهدین و استادان کهنسال و با سابقه حوزه علمیه قم در مقایسه مقام علمی و اجتماعی آیتین مرحومین حاج شیخ عبدالکریم حائری و شهید مدرس چنین می‌گوید:

«مرحوم مدرس یک رجل علمی، دینی و سیاسی بود و این گونه فردی مهمتر از رجل علمی و دینی است؛ زیرا این مظهر ولایت است که در روایت می‌فرماید: بنی‌الاسلام علی خمس ... که اگر ولایت و سیاست مسلمین نباشد دیگر فروع اسلامی تحقق کامل نمی‌یابند ... مدرس مرد فوق‌العاده‌ای بود، نمونه‌ای از یک روحانی واقعی، اگر از یک مرجع بالاتر نبود کمتر (هم) نبود.»<sup>(۱۴)</sup>

آیت‌الله پسندیده درباره شهید مدرس می‌گوید:

«ایشان (مدرس) مافوق همه بود، از هر جهت امتیاز داشت، او اصولاً به این فکر نبود که ساله علمیه منتشر کند، قابل مقایسه نبود با دیگران.»<sup>(۱۵)</sup>

شهید مدرس درست به دلیل همین

پاکدامنی اجدادش را داراست و در هوش و فراست گاهی من را به تعجب می‌افکند. در مدتی بسیار کوتاه از تمام همدرسهایش در گذشته و در منطق، فقه و اصول سرآمده‌ی یارانش می‌باشد و قوه قضاوت او در حد کمال و نهایت درستکاری و تقوا است.»<sup>(۱۶)</sup>

مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی (ره) درباره مقام علمی و فقهی شهید مدرس چنین می‌نویسد:

«... مرحوم آیت‌الله آقای میرسید حسن مدرس قمشه‌ای از اجلای علمای عصر و از رجال نامی ادوار اخیر بوده‌اند. معظم‌له پس از پایان تحصیل سطوح عالی و شطری از خارج در اصفهان به عتبات مشرف شده، مسنین عدیده در جلسه درس مرحومین آیات عظام آقای آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و آقا سید محمد فشارکی و آقا سید محمد کاظم یزدی و آقای شریعت تحصیل خود را به پایان رسانیدند و هم مباحثه‌های ایشان مرحومین آیت‌الله آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقای آقا سید علی کازرونی (متولی مدرسه قوام شیرازی که از مدارس نجف اشرف است) بودند. طرف عصر در مقبره مرحوم آیت‌الله علامه مذاکره داشتند و مدت قلیلی هم با مرحوم والد حقیر، یعنی آیت‌الله نسابه آقای سید محمود

۱۲- نطقها و مکتوبات و یادداشت‌هایی پیرامون زندگی مجاهد شهید سیدحسن مدرس. تهران: انتشارات ابرذر، ۱۳۵۵، ص ۱۹.

۱۳- مدرس، پیشین، ص ۳۰۹ تا ۳۱۰.

۱۴- همان، ص ۳۱۰.

۱۵- مصاحبه با بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.

۲- تکلیف اسلام بر غیر اهل اسلام تعلق نمی‌گیرد.

مدرس در جلسه ۲۰۹ مورخ ۱۱ صفر ۱۳۲۹ می‌گوید:

«... و اما اینکه فرمودند طوایف عیسوی هم عسکر بدهند، ابدأ اهل ذمه نباید عسکر بدهند. آنها باید پول بدهند... تکلیف اسلام بر غیر اهل اسلام تعلق نمی‌گیرد...»<sup>(۱۷)</sup>

۳- زرتشتیان، یهودیان و ارامنه ساکن در بلاد اسلامی در دفاع از کشور اسلامی مختار هستند.

مدرس در جلسه ۲۱۰ مورخ ۱۴ صفر ۱۳۲۹ می‌گوید:

«... البته اینها در مملکت ما از زرتشتیان، برادران وطنی ما از یهود، از ارامنه هستند. البته باید دفاع کنند و خاک خودشان را نگاه دارند. ولی دفاع بکنند، یعنی میل خودشان است، نه اینکه من بگویم حکماً (ضرورتاً) باید

● نطق مدرس در دوره چهارم جلسه ۱۸۰ (دهم قوس ۱۳۰۱): «رعایت ضعیفای مملکت ما این است که املاکمان را آباد کنیم و کارخانه بسازیم تا آنان کار کنند.»

● نطق مدرس در دوره چهارم جلسه ۳۱ (۲۵ میزان ۱۳۰۰): «شاه و رئیس الوزراء پارلمان، حجت‌الاسلام تمام اینها نوکر خلق‌اند و باید به مردم خدمت کنند.»

۱۶- محمد ترکمان، مدرس در پنج دوره تقنینیه، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲)، جلد ۱، ص ۱۱ تا ۱۲.

۱۷- ترکمان، پیشین، ص ۱۲.

مراتب و درجات بالای علمی، فقهی و تقوایی بود که در دوره دوم مجلس شورای ملی از جانب مراجع تقلید نجف (آخوند خراسانی و ملاعبدالله مازندرانی) به عنوان مجتهد طراز اول کاندید شد تا بر اساس متمم اصل دوم قانون اساسی مشروطه ناظر بر مصوبات قوه مقننه باشد.

## ۲- مدرس در دوره دوم مجلس شورای ملی

مدرس در خلال دوره دوم مجلس شورای ملی درباره مسایل مختلفی مواضع فقهی خویش را اظهار نموده است. دفاع از کشور اسلامی، مالیات، وقف و اختیارات دولت از اهم این موضوعات است. مواضع فقهی مدرس در این دوره به قرار زیر است:

۱- حفظ کشور اسلامی و دفاع از مرزهای آن بر هر شهروند مسلمان واجب است.

مدرس در جلسه ۲۰۹ مورخ ۱۱ صفر ۱۳۲۹ می‌گوید:

«... لکن باید بگویم امروز مملکت ایران محتاج به قوه دافعه است. مقدمتر از هر چیزی، و بر هر نفس واجب است که حفظ مملکت و ثغور اسلام را بفرمایند. چه مثل من که عمامه سرم است و از اول عمرم تا حالا در مدرسه بوده‌ام. هر کس که هر قوه‌ای دارد واجب است بر او که آن قوه را در نگاهداری مملکت اسلامی در وقت خودش به تربیتی که امرا و رؤسای مملکت تصویب می‌کنند به کار ببرد و مدافعه بکند...»<sup>(۱۶)</sup>

است که اولیای امور می‌بندند. مملکت  
 احتیاج به مالیات دارد و بر حسب  
 انصاف به نحوی که مراعات فقرا و  
 ضعفا هم شده باشد یک مالیاتی وضع  
 می‌کنند که کار مملکت هم پیشرفت  
 بکنند...»<sup>(۲۱)</sup>

۷- متولی وقف در حکم مالک است.  
 مدرس در جلسه ۲۶۴ مورخ ۲۶  
 جمادی‌الآخر ۱۳۲۹ می‌گوید:

«... متولی وقف مثل مالک ملک است.  
 مالک هیچ ملکی را کسی نمی‌تواند  
 بدون اجازه او تعرض در ملکش بکند.  
 متولی وقف در حکم مالک است...»<sup>(۲۲)</sup>

۸- در امور دنیوی در صورت رضایت  
 مدعی، دولت حق مؤاخذه متهم را ندارد.  
 مدرس در جلسه ۲۷۲ مورخ ۱۸ رجب  
 ۱۳۲۹ می‌گوید:

«... در دنیا اگر حق کسی را من صدمه  
 زدم که متعلق به صد هزار نفر بود، اگر  
 آن صد هزار نفر آمدند راضی شدند،  
 دولت حق ندارد مؤاخذه کند که تو  
 حق آنها را بردی ... متن خیر است که  
 علی(ع) در دین حبس می‌کردند،  
 دخلی به جعلیت ا... نداد ندارد، دخلی به  
 آدم کشتن ندارد...»<sup>(۲۳)</sup>

۹- در مجلس شورای ملی باید سه نفر

بیایند. اگر به میل و رغبت آمدند، منت  
 او را بدارید و از بیت‌المال مسلمین هم  
 به آنها حق بدهند...»<sup>(۱۸)</sup>

۴- قوانین مصوبه مجلس شورای ملی  
 باید مخالفت با شرع نداشته باشد نه اینکه  
 موافق با شرع باشد.  
 مدرس در جلسه ۲۱۲ مورخ ۱۸ صفر  
 ۱۳۲۹ می‌گوید:

«... فرق است میان موافقت با شرع و  
 عدم مخالفت. آن نکته قانون اساسی  
 گفت: مخالفت با شرع نداشته باشد،  
 نفرمود: موافق با شرع باشد...»<sup>(۱۹)</sup>

۵- هیچ کس غیر از مدعی‌العموم حق  
 تصرف در امور مردم را ندارد.  
 مدرس در جلسه ۲۳۲ مورخ ۸  
 ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ می‌گوید:

«... از آن جمله به اطلاع انجمن ولایتی  
 یا ایالتی، مال مردم را فروختن صورت  
 شرعی ندارد. و این بود که نوشتیم باید  
 به اطلاع مدعی‌العموم باشد هر جا  
 هست. هر جا نیست که هیچ. غیر  
 مدعی‌العموم هیچ کس نمی‌تواند در  
 امور مردم تصرف بکند...»<sup>(۲۰)</sup>

۶- عرکشور نیاز به مالیات دارد و برای  
 پیشرفت آن باید مالیات وضع کرد.

مدرس در جلسه ۲۶۰ مورخ ۱۷  
 جمادی‌الآخر ۱۳۲۹ می‌گوید:

«... مسأله مالیات را خوب است ما  
 نسبت به شرع ندهیم و اسمش را  
 خمس یا زکات نگذاریم. این مالیاتی

۱۸- ترکمان، پیشین، ص ۱۳.  
 ۱۹- همان.

۲۰- همان، ص ۲۲.

۲۱- همان، ص ۳۲.

۲۲- همان، ص ۳۳.

۲۳- پیشین، ص ۴۲.

نماینده از ملل ثلاثه حضور داشته باشند.

مدرس در جلسه ۳۰۸ مورخ ۲۳ شوال ۱۳۲۹ می‌گوید:

«... اولاً تصدیق می‌کنم آن فرمایشی را که آقای مخبر فرمودند، که حقیقت سیاسی همین است که در این مجلس مقدس سه نفر نماینده از ملل ثلاثه تشریف داشته باشند. این عین اتحاد و یگانگی است...» (۲۴)

### ۳- مدرس در دوره سوم مجلس شورای ملی

مدرس در طی دوره سوم مجلس شورای ملی مواضع فقهی خود را درباره مسایل مختلفی بیان نموده است که تعدادی از آنها عبارتند از: اختیارات دولت برای عقد قرارداد با کشورهای خارجی، اهمیت ارتش، مخارج کشور و قانونگذاری. مواضع فقهی مدرس در این دوره به شرح زیر است:

۱- وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی حق ندارند رأساً با دولتهای خارجی قراردادی را منعقد نمایند.

مدرس در جلسه ۳۴ مورخ ۲۳ جمادى الاخر ۱۳۳۳ می‌گوید:

«... ما ابدأً به هیچ کدام از ادارات خودمان اطمینان نداریم که با دول دیگر یک قراردادی ببندند و همچو اختیاراتی به آنها نمی‌دهیم و بنده این مطالب را جداً می‌گویم...» (۲۵)

۲- اموال مجهول‌المالک و بدون صاحب، ملک دولت نمی‌شود، بلکه باید به مصارف خیریه عمومی برسد.

مدرس در جلسه ۳۴ مورخ ۲۳ جمادى الاخر ۱۳۳۳ می‌گوید:

«... مال بی‌صاحب در مملکت ما ملک دولت نمی‌شود، باید به مصارف عمومی یعنی دارالعجزه، مدرسه ایتم و این قبیل چیزها برسد...» (۲۶)

۳- مخارج کشور باید از داخل کشور تأمین شود.

مدرس در جلسه ۵۶ مورخ ۱۵ رمضان ۱۳۳۳ می‌گوید:

«... امروز که پروگرام هیأت دولت را آورد، بنده دو اصل را تصدیق کردم. یکی اینکه مخارج مملکت حتماً باید از داخل مملکت تهیه شود و یکی اینکه جلوی مخارج زائده گرفته شود...» (۲۷)

۴- نظام مالیاتی در کشور باید منظم باشد. مدرس در جلسه ۵۹ مورخ ۲۵ رمضان ۱۳۳۳ می‌گوید:

«... مالیاتی که در مملکت بر عایدات گذاشته [شده است]، باید به یک نظم

نطق مدرس در دوره دوم جلسه ۲۰۲ - (۲۴ محرم الحرام ۱۳۲۹ هـ ق): «رئیس هر قومی باید حافظ و خادم آن قوم باشد.»

● نطق مدرس از کتاب زرد: «بالاخره ما باید در میان دول جهان بیدار بشویم و هشیار شویم تا جامعیت خود را که از دست داده‌ایم باز به آن دست یابیم و آن را با همان صفات خلقی خود حفظ کنیم، هر ملتی و قومی به

۲۴- پیشین، ص ۵۶

۲۵- پیشین، ص ص ۱۰۴ تا ۱۰۵.

۲۶- پیشین، ص ص ۱۰۵ تا ۱۰۶.

۲۷- پیشین، ص ۱۶۲.

۲- کودتای ۱۲۹۹ رضاخان برخلاف مجلس شورای ملی و قانون اساسی است. مدرس در جلسه ۴ مورخ ۲۲ ذیقعدة ۱۳۳۹ می‌گوید:

« ... اما یک کودتایی (کودتای ۱۲۹۹ رضاخان) برخلاف مجلس، برخلاف قانون اساسی، برخلاف مایة قانون اساسی که قرآن باشد. خداوند می‌فرماید: لاتخذوا الیهود والنصارى اولیاء...»<sup>(۳۰)</sup>

۳- قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق‌الدوله به ضرر دیانت و سیاست بیطرفی ما بود. ما ملتی فقیر و ضعیف هستیم و باید بیطرف باشیم. مدرس در جلسه ۵ مورخ ۲۵ ذیقعدة ۱۳۳۹ می‌گوید:

« ... قرارداد منحوس [قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق‌الدوله] یک سیاست مضر به دیانت اسلام، به ضرر سیاست بیطرفی ما بوده. ما بیطرفیم، نباید تمایلی نسبت به سیاستها بشود... کابینه و ثوق‌الدوله خواست ایران را رنگ بدهد، اظهار تمایل به دولت انگلیس کرد. بر ضد او ملت ایران قیام نمود. هم حال، هر کس تمایل به سیاستی بنماید، ما یعنی ملت ایران با او موافقت نخواهیم نمود. چه رنگ شمال، چه رنگ جنوب، چه رنگ آخر دنیا. ما یک ملتی هستیم فقیر، ضعیف و باید بیطرف باشیم و هیچ

و نسق باشد و این صد [ی] پنج یا صد [ی] چهار در این زیاد است. به واسطه اینکه املاک همین طور که اظهار داشتند عایداتش ده یک است و دولت ده یک می‌گیرد... با این ترتیب اگر بخواهند مالیات بدهند، صد [ی] دو بستند شاید به فلسفه نزدیکتر باشد...»<sup>(۲۸)</sup>

#### ۴- مدرس در دوره چهارم مجلس شورای ملی

مدرس در خلال دوره چهارم مجلس شورای ملی درباره مسایل مختلفی مواضع فقهی خویش را اظهار نموده است که قدرت مجلس شورای ملی، برقراری روابط با کشورهای خارجی، بیت‌المال عمومی مسلمین، رابطه سیاست و دیانت، حفظ حقوق اقلیتهای دینی و احتکار، تعدادی از محوره‌های مهم آن را تشکیل می‌دهد. مهمترین مواضع فقهی مدرس در این دوره به قرار زیر است:

۱- اگر نماینده‌ای برخلاف اساس مشروطیت اقدام کند، از وکالت عزل می‌شود.

مدرس در جلسه ۴ مورخ ۲۲ ذیقعدة ۱۳۳۹ می‌گوید:

« ... اگر یک روز هم به عمر مجلس شورای ملی باقی بماند، یک کسی بر خلاف اساس مشروطیت اقدام کند از وکالت منزل است...»<sup>(۲۹)</sup>

۲۸- پیشین، ص ۱۶۵.

۲۹- پیشین، ص ۱۹۲.

۳۰- پیشین، ص ۱۹۲.

رنگی نداشته باشیم.

صریحاً عرض می‌کنم بنده که مخالف با آن کابینه بودم، برای این بود که قرارداد را مضر می‌دانستم. تمایل از برای ما مضر است... یک اشخاصی رنگ پیدا کردند، آمدند گفتند عقیده ما تمایل به سیامت انگلیس است. شاید یکی پیدا شود و بگوید عقیده سیاسی من روس است. ما بر ضد همه هستیم...»<sup>(۳۱)</sup>

۴- کشور ایران باید با تمام کشورها به ویژه کشورهای اسلامی مناسبات یکسان و حسنه داشته باشد.

مدرس در جلسه ۳۰ مورخ ۱۴ صفر ۱۳۴۰ می‌گوید:

«... دولت و ملت ایران باید سیاستش نسبت به دول عالم به نظر واحد باشد. سیاستش این تقاضا را دارد. ولی بر همه واضح است که دول و ملل اسلامی طبیعتاً یک خصوصیتی با هم دارند. کما اینکه از پارلمانهای دولت اسلامی قریب به این مضمون یک اظهارات خصوصی شده. ... چون بعضی دول جدید التاسیس اسلامی پیدا شده است، البته باید ما هم یک نظر خصوصی به آنها داشته و روابط حسنه خاصه با آنها پیدا کنیم...»<sup>(۳۲)</sup>

۵- بیت‌المال عمومی را نباید به کسی بدهند که برای عموم کار نمی‌کند.

مدرس در جلسه ۳۱ مورخ ۱۶ صفر ۱۳۴۰ می‌گوید:

«... من می‌گویم مال بیت‌المال عمومی

مسلمین را نباید مفت به کسی داد. مذهب من هم همین طور می‌گوید که مال عمومی را نباید به کسی بدهند که برای عموم کار نمی‌کند... در این مدت آن مقدار مال عمومی را که به مردم داده‌اند کمترش برای مصرف عامه و بیشتر آن به مناسبات شخصی بوده...»<sup>(۳۳)</sup>

۶- مخارج کشور باید از طریق مالیات تأمین شود و مخارج شهرها را باید شهروندان هر شهر بپردازند.

مدرس در جلسه ۳۱ مورخ ۱۶ صفر ۱۳۴۰ می‌گوید:

«... مملکت سه خرج دارد. یک خرج راجع به مملکت، برای حفظ انتظام و سد ثغور مملکت است. البته این خرج را باید مملکت بدهد. یک خرج متعلق به شهر است، آن خرج را باید اهل شهر بدهند... عمده مآله این است که آنچه از اهالی مملکت گرفته می‌شود برای انتظام و حفظ حدود و ثغور باید

همان اندازه که جامعیت خود را محترم بدازد و از آن صیانت کند بقای خود را تضمین کرده است.»

● سخنان مدرس در جلسه ۲۸۴ دوشنبه بیست و یکم جوزا ۱۳۰۲ برابر با بیست و پنجم شوال ۱۳۴۱، در بحث استیضاح از دولت مستوفی الممالک: «... در قرون اخیره وضعیات دنیا در اثر کهنه شدن بعضی

۳۱- پیشین، ص ۱۹۶.

۳۲- پیشین، ص ۲۲۲.

۳۳- پیشین، ص ۲۲۷.

است که امین مال مردم باشد، و آن مال را بخورد.

اشخاصی که بقایا دارند و از ادای مالیات استنکاف می‌ورزند، خائنین ملت و وطن‌فروشان غیر مستقیم مملکت هستند. اگر مالیات خود را می‌دادند رفع حواجی دولت می‌شد و دولت مجبور به استقراض خارجی نمی‌شد. لهذا بنده عرض می‌کنم که دولت باید نهایت جدیت را در وصول بقایا بنماید...»<sup>(۳۵)</sup>

۸- وضع قانون و شرح و توضیح و اصلاح آن از وظایف مجلس شورای ملی است. مدرس در جلسه ۳۳ مورخ ۲۱ صفر ۱۳۴۰ می‌گوید:

«... قانون باید حاکم باشد و وضع آن از وظایف مجلس شورای ملی است. اگر امروز که مجلس هست، یک قانونی محتاج به اصلاح و شرح باشد، البته باید به مجلس رجوع کنند. نه اینکه هر جا نمی‌فهمند، خودشان تغییراتی داده و یک ماده اضافه کنند...»<sup>(۳۶)</sup>

۹- وزیر باید مجری قانون باشد. مدرس در جلسه ۳۳ مورخ ۲۱ صفر ۱۳۴۰ می‌گوید:

«... وزیر باید مجری قانون باشد ... وزیر اگر عالم هم باشد، در غیاب

خرج شود و آنچه از شهرها گرفته می‌شود خرج شهر بشود... بسیاری از دهات مالیات ندارد و بسیاری از دهات خراب مالیات زیاد دارد. باید رفع این بی‌ترتیبی را نمود، والا مالیات همان است که مردم برای مخارج مملکت بدهند. یک وقت اسمش را زکسات می‌گذاریم، یک وقت چیز دیگر... اما اقسام دیگر خرج بر این است که آنچه گرفته می‌شود، دولت و پارلمان دقت نمایند که در محل خودش صرف شود و اگر کسر دارد مملکت باید بدهد...»<sup>(۳۴)</sup>

۷- اشخاصی که بقایا دارند و از ادای مالیات استنکاف می‌ورزند، خائنین ملت و وطن‌فروشان غیر مستقیم مملکت هستند. مدرس در جلسه ۳۱ مورخ ۱۶ صفر ۱۳۴۰ می‌گوید:

«... بعضی از اشخاص به عنوان ملی شدن، مالیات دولت را نمی‌دهند. می‌خواهم در این موقع خبری عرض کنم که شاید اغلب آقایان شنیده باشند. در اسلام مجازات هست و یک مجازاتی درباره شخصی که مالیات دولت را نداده بود اجرا شده است. در زمان حضرت امیر(ع) یکی از امنای مالیه توابع فارس مال بیت‌المال را خورد و فرار کرد. حضرت امیر(ع) فرمودند خانه او را خراب نمایند. این مجازات خانه خراب کردن برای کسی

۳۴- پیشین، ص ۲۲۹.

۳۵- پیشین، ص ۲۳۰.

۳۶- پیشین، ص ۲۳۶.

مجلس شورای ملی نباید خودش یک قانونی وضع کند...»<sup>(۳۷)</sup>

۱۰- قاضی باید عالم به حقوق عمومی کشور و وضع دنیا و مجتهد باشد.  
مدرس در جلسه ۲۳ مورخ ۲۱ صفر ۱۳۴۰ می‌گوید:

«... بنده می‌گویم قاضی باید عالم به حقوق عمومی مملکت و مجتهد باشد. قانون اداری را هم بدانند و به قول اشخاص جدید در تحت دیسپلین اداری هم باشد. آشنایی به وضع دنیا هم داشته باشد...»<sup>(۳۸)</sup>

۱۱- دولت باید همه مطالباتش را وصول و دیونش را ادا کند.

مدرس در جلسه ۳۴ مورخ ۲۳ صفر ۱۳۴۰ می‌گوید:

«... یکی از مطالب اساسی که مملکت را اصلاح می‌کند و اسباب اطمینان مردم به دولت می‌شود، این است که دولت هم باید همه مطالباتش را بگیرد، هم می‌بایست دیونش را ادا کند... دولت حاضر با مساعدت مجلس شورای ملی در این دوره باید اهتمام بفرمایند و دیون خصوصی و عمومی دولت را تأدیه نمایند... چه دیون عمومی که عبارت است از مستمریها و شهریه‌ها و چه دیون دیگری که گردن دولت را گرفته و دولت را به زحمت انداخته است...»<sup>(۳۹)</sup>

۱۲- قانون در صورت تصویب در کمیسیون، مجلس شورای ملی، مجلس سنا و امضای پادشاه، در صورت عدم مخالفت با

شرع، قانونیت کامل می‌یابد.

مدرس در جلسه ۷۲ مورخ ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۴۰ می‌گوید:

«... قانون باید درجهاتی دارا باشد تا قانونیت کامل شود که یکی از آن درجات مجلس شورای ملی است، و یکی کمیسیون است و یکی مجلس سنا است و یکی امضای پادشاه است. و تمام آنها در صورتی است که مخالف با مذهب نباشد...»<sup>(۴۰)</sup>

۱۳- به صرف اشتهار به فساد عقیده، نمی‌توان فرد را فاسدالعقیده دانست.

مدرس در جلسه ۷۳ مورخ ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۴۰ می‌گوید:

«... بدیهی است تا کسی محکوم نشود، به مجرد معروفیت به فساد عقیده نمی‌شود مجازاتی درباره اشخاص قائل شد... تا درباره کسی حکم صادر نشود و در یک محکمه هم کسی محکوم به فساد عقیده نباشد، موافق

دول و غفلت بعضی دول و غرور بعضی دول در دنیای کهنه، بعضی دول به خیال ترقی خود افتاده‌اند، یا از هوشیاری، یا از احتیاج، یا از تجدد، بالخصوص در اروپا در قرون اخیر از صد و پنجاه سال قبل یک دولتهایی وجود پیدا کردند و درصدد برآمدند که دول کوچک دنیا را بخورند. البته وضعیات دنیا همیشه این اقتضات را داشته است یک قسمت بزرگش مفارن شده است با

۲۷- پیشین، ص ۲۳۶.

۳۸- همان.

۳۹- پیشین، ص ۲۳۸.

۴۰- پیشین، ص ۲۴۵.



مفت توی حمام بروید، حق ندارد.  
مگر اینکه صلاح عموم باشد و همین  
طور خانه و کاروانسرا...» (۴۳)  
۱۶- تمام نقل و انتقالها باید با تصویب  
مجلس شورای ملی صورت بگیرد.  
مدرس در جلسه ۸۳ مورخ ۱ شعبان  
۱۳۴۰ می گوید:

«... به مقتضای قانون اسلامی نقل و  
انتقالها باید تماماً به تصویب مجلس  
شورای ملی باشد...» (۴۴)  
۱۷- نمایندگان مجلس شورای ملی باید  
صلاح و فساد تمام افراد کشور را منظور نظر  
قرار دهند.

مدرس در جلسه ۹۳ مورخ ۲۹ شعبان  
۱۳۴۰ می گوید:

«... تمام افراد ایرانی اعم از طفل و  
بزرگ و دیوانه و عاقل، زن و مرد،  
مطلع و غیرمطلع، تمام آنها موکلین  
همة وکلایی هستند که در پارلمان  
می باشند. یعنی وکلا صلاح و فساد  
تمام افراد مملکت را باید منظور نظر  
قرار دهند...» (۴۵)

۱۸- انتخابات باید عمومی و مستقیم  
باشد.

مدرس در جلسه ۹۳ مورخ ۲۹ شعبان  
۱۳۴۰ می گوید:

موازین شرع نمی توان او را  
فاسدالعقیده تصور کرد...» (۴۱)  
۱۴- تمام خصوصیات و منافع که برای  
مسلمین در ایران ملاحظه می شود، باید  
برای ملل متنوعه (اقلیتهای دینی) نیز  
ملاحظه شود.  
مدرس در جلسه ۷۳ مورخ ۲۹  
جمادی الثانی ۱۳۴۰ می گوید:

«... از جهت ملل متنوعه که در مملکت  
ایران هستند، تمام خصوصیات و  
منافع که برای مسلمین ملاحظه  
می شود، برای آنها هم حتماً باید  
ملاحظه شود... هرگز از این به [ذهن]  
ملل متنوعه نرود که اینها در این حقوق  
فرقی با سایر مسلمین خواهند  
داشت...» (۴۲)

۱۵- دولت نمی تواند مال عمومی را  
اصلاً و منفعتاً به صورت بلاعوض به  
اشخاص واگذار کند.

مدرس در جلسه ۸۳ مورخ ۱ شعبان  
۱۳۴۰ می گوید:

«... دولت مال عموم را نمی تواند اصلاً  
و منفعتاً بلاعوض به اشخاص بدهد.  
باید همین که یک کسی آمد و گفت من  
در ملک خالصه خانه بسازم، بگویم  
بسم الله بسازید و مالیاتش را هم  
بدهید. دکان هم بسازید. آسیا هم همین  
حکم را دارد. باید دولت اجازه بدهد،  
ولی مالیاتش را هم بگیرد... اگر دولت  
حمام ساخت و به مردم گفت بیاید

۴۱- پیشین، ص ص ۲۴۹ تا ۲۵۰.

۴۲- پیشین، ص ۲۵۰.

۴۳- ترکمان، پیشین، ص ۲۶۵.

۴۴- همان.

۴۵- پیشین، ص ۲۸۰.

العباد. البته هم تعمیر بلاد مخارج مالی دارد و هم تأمین عباد محتاج به خرج مال است. ... این سانس و حاکم یک مرتبه مبعوث و منصوب از جانب خدا است و در این صورت باید از روی کتابی که خداوند برای او فرستاده رفتار کند. ولی امروز این خراج از موضوع ما است و البته دستور از برای آن حاکم و سانس که منصوب از جانب خدا است همان کتاب آسمانی است.

یک مرتبه مثل زمان ما که این طور پیش آمده است، آن حاکم و سانس منصوب از جانب ملت است، در این صورت وظیفه او اجرای دستوری است که ملت به او می‌دهد و هر دستوری از تعمیر بلاد و تأمین عباد این است یعنی ... موکلین به آن وکیل می‌دهند باید رفتار کند و آن همین است که شما اسمش را قانون اساسی می‌گذارید...»<sup>(۴۸)</sup>

عمر و دنیای ما، از زمان اجداد و پدران ما تا رسیده است به امروز.

البته معلوم است همچو دولتی مختلف‌اند، اعقل دارد، عاقل دارد، اغنی دارد، غنی دارد. بعضی به رویه عقل در مقام بلع دول کوچک نهنگ وار حمله می‌کنند، و هی دول بزرگ را کوچک کوچک کردند و خوردند و قوی شدند و سایرین ضعیف بعضی که عاقل بودند لقمه‌های درشت ←

۲۶- پیشین، ص ۲۸۱.

۴۷- پیشین، ص ۳۰۰.

۴۸- ترکمان، پیشین، ص ۳۱۶.

«... انتخابات البته باید عمومی باشد، چون تمام موکل این وکلا هستند، و مستقیم هم البته باشد. منتخب غیر مستقیم به عقیده بنده اصلاً وکیل نیست و این حرفها هم که با سواد دو رأی بدهد و دولتمند سه رأی، این اصلاً فلسفه ندارد... هر کس یک دفعه وکیل انتخاب می‌کند...»<sup>(۴۶)</sup>

۱۹- مجلس شورای ملی حق دخالت و نظارت بر تمام امور کشور را دارد و این معنای حکومت ملی است.

مدرس در جلسه ۱۱۳ مورخ ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۴۰ می‌گوید:

«... شغل مجلس اختصاص به مالیه مملکت ندارد ... باید در جنگ کردن، در تعمیر کردن و خراب کردن و بخشیدن و همه اینها دخالت کند. حکومت ملی هم معنایش این است که تمام کارهای عمومی راجع به خود مردم است. مردم هم وکیل معین می‌کنند که به امورات آنها رسیدگی کند... البته مجلس شورای ملی حق نظارت دارد و باید همه قسم تحقیقات بنماید...»<sup>(۴۷)</sup>

۲۰- وظیفه سانس و حاکم عمران و آبادانی و ایجاد امنیت در کشور است.

مدرس در جلسه ۱۳۰ مورخ ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۴۰ می‌گوید:

«... حاکم و سانس یک جمعیت باید از مال آن جمعیت، آن جمعیت را اداره کند و جامع اداره کردنش در تحت این دو کلمه است که تعمیر البلاد و تأمین

۲۱- قانون اساسی دستوری است که ملت به حاکم می‌دهد که اگر بر طبق آن عمل نکند ظالم و متعدی و لازم‌الدفع است.

مدرس در جلسه ۱۳۰ مورخ ۲۹ ذیحجه ۱۳۴۰ می‌گوید:

«... قانون اساسی دستوری [است] که

ملت به آن شخص می‌دهد و حاکم

و سانس اگر بر طبق آن عمل نکرد ظالم

و متعدی و لازم‌الدفع است... پس

دستوری که ملت به اداره‌کنندگان داده،

همین قانون اساسی است. وظیفه و کلا

هم در قانون اساسی معین شده...» (۴۹)

۲۲- مالیات باید عادلانه باشد و از

عایدات گرفته شود.

مدرس در جلسه ۱۳۰ مورخ ۲۹ ذیحجه

۱۳۴۰ می‌گوید:

«... خرج مملکت را که برای تأمین این

جمعیت لازم [است] باید مملکت

بدهد، ولیکن سه فلسفه را باید

مراعات کنیم. یکی اینکه کی بدهد؟

چند قسم بدهند؟ چطور گرفته شود و

صرف شود؟... اما این خمس نیست،

زکات نیست، رد مظالم هم نیست.

مخارج مملکتی است که باید از روی

آن فلسفه‌ها بگیریم. یعنی به طوری که

ظلم نشود، بلکه عدل شود، و از

عایدی بگیریم. در این صورت فقر و

غنی مدخلیت ندارد... خدای نخواست

بعضی اوقات اگر اتفاقاتی بیفتد، باید

از اصل برداشت و خرج مملکت کرد،

ولی بر سانس لازم است که از روی

عدالت و به قدری که محل خرج است

بگیرد... از این چیزهایی که می‌خواهند

مالیات بگیرند، چیزی قرار بدهد که

برای صاحبش هم صرفه داشته باشد.

اگر شما یک خراجی بر ملکی قرار

بدهید که برای ملکدار صرفه نداشته

باشد ملکداری نمی‌کند...» (۵۰)

۲۳- هر سلطانی که برخلاف مشروطه و

قانون اساسی و ما باشد او را برمی‌داریم و

هر سلطانی که مطیع مشروطه باشد، مطیع او

هستیم.

مدرس در جلسه ۱۴۸ مورخ ۱۳ صفر

۱۳۴۱ می‌گوید:

«... هر سلطانی که برخلاف مشروطه و

قانون اساسی باشد و با ما مخالفت

کند، او را برمی‌داریم و هر سلطانی که

مطیع مشروطه باشد، مطیع او

هستیم...» (۵۱)

۲۴- اگر در عمل عمومی بر شخصی

صدمه وارد شود، باید از بیت‌المال مسلمین

جبران گردد.

مدرس در جلسه ۱۸۰ مورخ ۱۲

ربیع‌الثانی ۱۳۴۱ می‌گوید:

«... اما در عمل عمومی اگر صدمه وارد

آمد، رفع صدمه بر بیت‌المال و خزانه

است و از قواعد مسلمة ما است که اگر

کسی در حین عمل به نفع عموم تلف

۴۹- همان.

۵۰- پیشین، ص ۳۱۶ تا ۳۱۷.

۵۱- ترکمان، پیشین، ص ۳۲۹.

«... در این مسأله تریاک ... نسبت به آنچه که مصرف داخله است بایستی مالیات عمده بگیرند، خواه متعلق به ارباب باشد، خواه متعلق به رعیت. ولی آنچه که از مملکت خارج می‌شود به عقیده بنده نه گمرک باید بگیرند، نه آن مالیات را، نه این مالیات ...»<sup>(۵۵)</sup>

۲۸- اگر کسی بدانند توافق در سیاست هست و موافقت نکند، خائن به کشور و دیانت اسلامی است.

مدرس در جلسه ۲۳۷ مورخ ۱۶ رجب ۱۳۴۱ می‌گوید:

«... عقیده بنده این است که اگر کسی بدانند توافق در سیاست هست و موافقت نکند، اولاً خائن به مملکت است و خائن به دیانت اسلامی است...»<sup>(۵۶)</sup>

۲۹- روابط ما با تمام کشورها باید حسنه باشد.

درشت را بلعیدند تا کم کم قوی شدند  
وضعیات دنیا و غفلت سابقین ما، و وضعیات  
جغرافیایی مملکت ما، ما را مبتلا کرده به دو  
دولت بزرگ همسایه. آن وقت بعضی از  
سلطین هم شاید ملتفت شدند مثل مرحوم  
ناصرالدین شاه، شاید ملتفت شده بودند که  
ما دو دولت بزرگ همجوار پیدا کرده‌ایم.  
البته مقتضای وضعیت ما، مقتضای  
دیانت ما با این دول مسلم و صلح است. دیانت  
←

۵۲- پیشین، ص ۳۶۲.

۵۳- پیشین، ص ۳۶۷.

۵۴- همان.

۵۵- پیشین، ص ۳۸۸.

۵۶- پیشین، ص ۳۹۲.

شد و صدمه دید، مثلاً رفته است جلوی سیل را بگیرد، یک صدمه به او رسید باید از بیت‌المال مسلمین جبران شود...»<sup>(۵۲)</sup>

۲۵- در فروش جنس احتکار شده، جلب رضایت فروشنده لازم نیست.

مدرس در جلسه ۱۸۵ مورخ ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۴۱ می‌گوید:

«... وقتی شخصی گندم را احتکار کند و مردم محتاج به آن باشند و مالک هم نفروشد، دیگر رضایت صاحب شرط نیست. باید گندم را از او گرفته و به قیمت متعارفی پولش را به صاحبش بپردازند. چون حق عمومی تعلق گرفته است. اگر صاحبش راضی نشود بفروشد، باید تصاحب نمود...»<sup>(۵۳)</sup>

۲۶- نمایندگان مجلس شورای ملی باید با قوانینی که به صلاح کشور است موافقت کنند.

مدرس در جلسه ۲۰۱ مورخ ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۴۱ می‌گوید:

«... به عقیده من اگر یک قانونی که پیشنهاد می‌شود به مقتضای صلاح مملکت است، باید سایرین موافقت کنند... باید این موضوع را اهمیت بدهند که قوانین را به نظر اتفاق در صلاح مملکت بگذرانند...»<sup>(۵۴)</sup>

۲۷- از تریاک مصرف داخلی باید مالیات فراوان گرفت، ولی از تریاک صادراتی نباید مالیات و گمرک گرفته شود.

مدرس در جلسه ۲۳۵ مورخ ۱۱ رجب ۱۳۴۱ می‌گوید:

باشد، یعنی اهالی بر خود لازم بدانند که به مملکت خودشان خدمت نظامی بکنند...» (۵۹)

۳۲- تصرف املاک موقوفه توسط دولت جایز نیست. دولت باید این املاک را اجاره کند.

مدرس در جلسه ۲۴۸ مورخ ۲ شعبان ۱۳۴۱ می‌گوید:

«... دولت باید [املاک موقوفه] را اجاره کند، نه اینکه ملک را تصرف کند و بهره بدهد... خوب است دولت از این املاک رفع ید نموده و اجاره کند که این املاک موقوفه از بین نرود...» (۶۰)

۳۳- هر وضعی مورد تعرض قرار گیرد، باید به قدر مقدور و میسر، عقلاً و دیانتاً و سیاستاً درصدد دفع و رفع برآید.

مدرس در جلسه ۲۸۴ مورخ ۲۵ شوال ۱۳۴۱ می‌گوید:

«... البته مقتضای وضعیت ما، مقتضای دیانت ما با این دول سلم و صلح است. دیانت ما در این زمان اقتضای تعرض و حمله ندارد. مگر اینکه متعرضان بشوند، و وقتی متعرض ما شدند البته هر وضعی را اگر کسی متعرض شد باید به قدر مقدور و میسر عقلاً و دیانتاً [و] سیاستاً در

مدرس در جلسه ۲۳۷ مورخ ۱۶ رجب ۱۳۴۱ می‌گوید:

«... البته روابط ما با تمام دول باید حسنه باشد. اما حسنه نسبت به همسایه‌ها چیست و نسبت به غیرهمسایه‌ها چیست [؟] نسبت به شمال چیست، نسبت به جنوب چیست [؟] من می‌دانم، همه شما می‌دانید، اما در پروگرام [برنامه دولت] باید نوشت...» (۵۷)

۳۰- در اسلام حفظ حدود و ثغور تکلیف تمام مسلمین است.

مدرس در جلسه ۲۳۷ مورخ ۱۶ رجب ۱۳۴۱ می‌گوید:

«... حفظ حدود و ثغور در مذهب اسلام یک تکلیفی است متعلق به تمام مسلمانان...» (۵۸)

۳۱- انجام خدمت سربازی تکلیفی برای همه افراد یک کشور است.

مدرس در جلسه ۲۳۹ مورخ ۱۹ رجب ۱۳۴۱ می‌گوید:

«... اما مسأله اصلاح ترتیب سربازی، می‌دانید سرباز یک لفظی است که به مناسبت حقیقتش به لسان فرس این اسم را گذارده‌اند و تعبیر عربی او مجاهد است، و فارسی‌اش سرباز است. و این یک تکلیفی است متعلق به هر کسی که حافظ و پاسبان و سعب مملکتش است... مسأله سربازگیری باید تکلیفی برای همه افراد مملکت

۵۷- ترکمان، پیشین، ص ۳۹۲.

۵۸- پیشین، ص ۳۹۶.

۵۹- پیشین، ص ۴۰۰.

۶۰- پیشین، ص ۴۰۷.

مدرس در جلسه ۴ مورخ ۹ شعبان ۱۳۴۲ می‌گوید:

«... مجلس باید عقیده‌اش به تمام مطالب چه انتخابات و چه غیرانتخابات آزاد باشد...»<sup>(۶۴)</sup>

۳- حکومت نظامی بدون تصویب مجلس شورای ملی قانونی نیست.

مدرس در جلسه ۳۷ مورخ ۱۴ ذی‌حجه ۱۳۴۲ می‌گوید:

«... تا موضوع حکومت نظامی به مجلس نیاید و در مجلس مورد بحث واقع نشود، نباید ترتیب اثری به او داده شود...»<sup>(۶۵)</sup>

۴- مخارج امنیت کشور را هر طور هست باید داد.

مدرس در جلسه ۷۲ مورخ ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۴۳ می‌گوید:

«... مخارج فوری بلااضافه منظور

ما در این زمان اقتضای تعرض و حمله ندارد، مگر اینکه متعرضان بشوند و وقتی که متعرض ما شدند البته هر ضعیفی را اگر کسی متعرض شد باید بقدر مقدور و منسور عقلاً، دیانتاً و سیاستاً در صدد دفع و رفع برآید.  
... ما نسبت به دول دنیا دوست هستیم، چه همسایه، چه غیر همسایه، چه جنوب، چه شمال، چه شرق و چه غرب، و هر کسی

۶۱- ترکمان، پیشین، ص ۴۱۹.  
۶۲- پیشین، ص ۴۳۳.  
۶۳- صورت مذاکرات دوره پنجم، مجلس شورای ملی، قسمت اول، ص ۱۳.  
۶۴- پیشین، ص ۱۳.  
۶۵- پیشین، ص ۲۲۴.

صدد دفع و رفع برآید...»<sup>(۶۱)</sup>  
۳۴- باید توازن عدمی را نسبت به همه کشورها مراعات کرد، نه توازن وجودی را.  
مدرس در جلسه ۲۸۴ مورخ ۲۵ شوال ۱۳۴۱ می‌گوید:

«... من از هر کسی که بر ضدمان باشد می‌ترسم. از هر دولتی که بخواهد ذره‌ای [داخلت در امور ما بکند می‌ترسم. و باید توازن عدمی را نسبت به همه مراعات کرد، نه توازن وجودی را...»<sup>(۶۲)</sup>

### ۵- مدرس در دوره پنجم مجلس شورای ملی

مدرس در طی دوره پنجم مجلس شورای ملی مواضع فقهی خود را درباره موضوعات مختلفی بیان کرده است. توسعه، واگذاری امتیازات، وظیفه مجلس شورای ملی، مالیات، جهاد و دفاع از کشور اسلامی، تحولات جهان اسلام، حفظ دیانت و قومیت و حکومت نظامی از اهم این موضوعات است. مواضع فقهی مدرس در این دوره به شرح زیر است:

۱- انتخاباتی که از روی فشار انجام شود، آن شخصی که روی صندلی مجلس شورای ملی بنشیند «غصب» است.

مدرس در جلسه ۴ مورخ ۹ شعبان ۱۳۴۲ می‌گوید:

«... انتخاباتی که از روی فشار شود، آن شخصی که روی این کرسی بنشیند، غصب است...»<sup>(۶۳)</sup>

۲- مجلس شورای ملی باید در اظهار عقیده نسبت به تمام مسایل آزاد باشد.

مدرس در جلسه ۱۰۳ مورخ ۵ جمادی الثانی ۱۳۴۳ می‌گوید:

«... حالا از همه اینها هم بگذریم، از سرانه و اراضی و مالیات بر عایدات هم که تنزل بکنیم و بخواهیم [مالیات را] بر مخارج تحمیل کنیم، می‌گوییم یک خرجی داریم و یک برجی. و به عقیده من باید بر برج تحمیل شود نه بر خرج... مثلاً بر بلورآلات خیلی خوب است یک تحمیلی بشود، چون بلوریک برجی است و زحمتش هم بر عموم نیست... نه اینکه بر ماش و گاودانه و نخود و لوبیا و عدس و سنگک و گندم و جو و سایر ارزاق عمومی که زحمتش بر افراد است... خرازی و بلورآلات، بر اینها تحمیل کنید. آن هم جهت مخارج بلدی و مصارف شهر، نه برای خوردن اجزای بلدی و برای دارالایام، نظیفات شهر، دارالمساکین و غیره... اما از نان و گوشت نمی‌شود گرفت... بر خرازی، بر بلورفروش، بر قماش خارجه و غیره تحمیل کنید...»<sup>(۶۹)</sup>

۸- مجازات جرمی که مصالح عمومی و نظم کشور را به مخاطره اندازد، قابل اکتیاع نیست.

مدرس در جلسه ۱۱۴ مورخ ۲۴

شود، زیرا می‌بینیم حقیقتاً مخارج امنیت بر همه چیز مقدم است. از این جهت جزء اول مخارجی است که مربوط به امنیت است و بنده فوری دانسته‌ام. از قبیل مخارج نظام و نظمیه و امنیه و عقیده بنده این است که اگر تمام ادارات هم معطل باشد، مخارج امنیت مملکت را هر طور هست باید داد...»<sup>(۶۶)</sup>

۵- قانون وقتی عنوان قانونیت پیدا می‌کند که مجلس تصویب کند.

مدرس در جلسه ۷۶ مورخ ۳ ربیع الثانی ۱۳۴۳ می‌گوید:

«... قانون وقتی عنوان قانونیت پیدا می‌کند که مجلس تصویب کند...»<sup>(۶۷)</sup>

۶- مخارج شهر را باید از اراضی شهر گرفت.

مدرس در جلسه ۱۰۳ مورخ ۵ جمادی الثانی ۱۳۴۳ می‌گوید:

«... باید مخارج لازمه شهر از کجا گرفته شود؟ یقیناً باید از خود اهل شهر گرفته شود. برای خرج اینجا نمی‌شود یک تحمیلی بر اهالی آذربایجان کرد... چون این مخارج مملکتی نیست، مخارج شهری است... این عقیده شخصی من است که مخارج شهر را از اراضی شهر باید گرفت...»<sup>(۶۸)</sup>

۷- مالیات باید بر نرخ (سازر آلات، پارچه‌های خارجی و...) تحمیل شود، نه بر خرج (ارزاق عمومی و...).

۶۶- صورت مذاکرات دوره پنجم، پیشین، ص ۴۷۰.

۶۷- پیشین، ص ۴۹۹.

۶۸- پیشین، ص ۷۰۲.

۶۹- پیشین، ص ۷۰۳.

جمادی‌الثانی ۱۳۴۳ می‌گوید:

«... در شرع هم ما جزاهای نقدی داریم، جزاهایی داریم که به نقد معامله می‌شود. حبس هم داریم که به نقد معامله می‌شود، کتکی هم داریم که به نقد معامله می‌شود. اما جایش کجاست؟ آن جایی است که ضرری بر شخص یا اشخاص وارد آمده باشد، یا نفعی از شخصی یا جمعی سلب شده باشد. همچو مجازاتی قابل تغییر به مال است. لیکن یک وقت یک مجازاتی است که بر یک عملی که مصالح عمومی اقتضا می‌کند و نظم مملکتی و اجتماعی اقتضاد دارد، شما معین می‌فرمایید ... ابداً این گونه مجازات قابل ابتیاع نیست...»<sup>(۷۰)</sup>

۹- تدوین و تصویب نظام مالیاتی از وظایف مجلس شورای ملی است.

مدرس در جلسه ۱۳۱ مورخ ۳۰ رجب ۱۳۴۳ می‌گوید:

«... وظیفه پارلمان این است و حقیقتاً تکلیف اولش این است که باید ببیند [از] چه چیز باید [مالیات] بگیرد و از کجا باید بگیرد و به چه ترتیب بگیرد و به کجا صرف کند ... عقیده من این است که باید مالیاتی جعل کرد که قابل جذر و مد باشد، زیرا ممکن است یک سال برای مملکت اتفاق بیفتد که خرجش دو مقابل بشود و دو عشر بگیرند. مثل مالیات گمرک که یک وقت فرض بفرمایید صد [ی] پنج می‌گیرند و یک وقت هم یک اتفاقی می‌افتد که

مخارج مملکت زیاد می‌شود صد [ی] ده می‌گیرند. ولی اول باید مالیات را روی عدل جمع بکنند ... البته آن فوق‌العاده را پارلمان حکم می‌دهد، دولت می‌گیرد، مردم هم می‌دهند...»<sup>(۷۱)</sup>

۱۰- یکی از محلهای قدیمی و اساسی که باید از عایداتش مخارج عمومی تأمین شود، عقلاً و نقلاً آب و ملک است.  
مدرس در جلسه ۱۳۱ مورخ ۳۰ رجب ۱۳۴۳ می‌گوید:

«... من اساساً موافقم با این قانون، زیرا بهترین جایی که باید از [آن] مخارج مملکت را گرفت آب و ملک است. یکی از محلهای قدیمی و اساسی که باید از عایداتش مخارج عمومی گرفته شود و داده شود، عقلاً و نقلاً آب و ملک است...»<sup>(۷۲)</sup>

۱۱- ما در زمان غیبت عقیده به جهاد نداریم، وظیفه ما دفاع است.

مدرس در جلسه ۱۴۰ مورخ ۱۶ شعبان

متعرض ما بشود متعرض آن می‌شویم، هر چه باشد، هر که باشد، به قدری که از منان برمی‌آید و ساخته است.  
همین مذاکره را با مرحوم صدراعظم شهید عثمانی کردم، گفتیم که اگر یک کسی از سر حد ایران بدون اجازه دولت ایران پایش را بگذارد در ایران و ما قدرت داشته باشیم او را با تیر می‌زنیم و هیچ نمی‌بینیم که گناه پوستنی سرش است یا عمامه یا شاپو، بعد که

۷۰- پیشین، ص ۷۸۵.

۷۱- صورت مذاکرات دوره پنجم، مجلس شورای ملی،

قسمت دوم، ص ۹۱۷.

۷۲- پیشین، ص ۹۱۷.



۱۳۴۳ می گوید:

«... باید عموم مسلمین مهیا باشند از برای اینکه اگر اتفاقی افتاد، بتوانند دفاع کنند و اگر اتفاق بیفتد، جهاد هم می توانند بکنند. چون عقیده ما در زمان غیبت دفاع است و ما در زمان غیبت عقیده به جهاد نداریم. یعنی حمله به غیر نمی کنیم، اما اگر هر کس به ما حمله کند، همان قسم که بر هر مکلفی نماز واجب است، واجب هم هست که دفاع کند...»<sup>(۷۳)</sup>

۱۲- هر مسلمانی به نماز، خمس، زکات و حج عقیده دارد، باید به جهاد و دفاع هم معتقد باشد.

مدرس در جلسه ۱۴۰ مورخ ۱۶ شعبان ۱۳۴۳ می گوید:

«... هر مسلمانی که عقیده به نماز و خمس و زکات و حج دارد، باید به جهاد و دفاع هم عقیده داشته باشد. و این عقیده هم همین طوری فایده ندارد که من عقیده داشته باشم اگر دزد خانه ام آمد، در بروم. اینکه فایده ندارد. باید یاد بگیرم که در نروم. حالا اگر آقایان در اینجا تأمل دارند و می فرمایند که آن چند تا [ی] دیگر را باید یاد گرفت، اما این یکی [جهاد] را نباید یاد گرفت و هر وقت دشمن است، آن وقت آدم در برود. بنده عقیده ام این است که هر کس صاحب این عقیده باشد، منکر ضروری از ضروریات دین

اسلام است، یعنی کافر است...»<sup>(۷۴)</sup>

۱۳- جهاد بر مسلمین واجب است و اگر کسی به تکلیف خود عمل نکرد، باید او را به زور آورد.

مدرس در جلسه ۱۴۰ مورخ ۱۶ شعبان ۱۳۴۳ می گوید:

«... این تکلیف [جهاد] بر مسلمین

واجب است... که اگر به تکلیف عمل

نکرد، باید اجباراً او را آورد...»<sup>(۷۵)</sup>

۱۴- کلیه اتباع مسلمان ایران مکلف به انجام خدمت سربازی هستند.

مدرس در جلسه ۱۴۰ مورخ ۱۶ شعبان ۱۳۴۳ می گوید:

«... کلیه اتباع مسلمان ایران اعم از

سکنه شهرها و قصبات و قراویلات به

خدمت سربازی مکلف می باشند...»<sup>(۷۶)</sup>

۱۵- دفاع از کشور اسلامی بر غیر مسلمین واجب نیست.

مدرس در جلسه ۱۴۰ مورخ ۱۶ شعبان ۱۳۴۳ می گوید:

«... [دفاع از کشور اسلامی] بر غیر

مسلمین واجب نیست. لدی الاقتضا

ممکن است دولت آنها را استخدام

کند... اما اگر او اضر نشود، دولت

نمی تواند مجبورش کند...»<sup>(۷۷)</sup>

۱۶- حدوث و بقای امتیازات با مجلس

۷۳- پیشین، ص ۹۹۰.

۷۴- پیشین، ص ۹۹۰.

۷۵- پیشین، ص ۹۹۱.

۷۶- پیشین، ص ۹۹۱.

۷۷- پیشین، ص ۹۹۱.

شورای ملی است.

مدرس در جلسه ۱۸۸ مورخ ۱۳ مورخ  
ذی حجه ۱۳۴۳ می گوید:

«... همین طور که امتیاز حدوداً با  
مجلس شورای ملی است، یقائاً هم با  
مجلس شورای ملی است و هیچ دولتی  
نمی تواند امتیاز را مدتش را کم یا زیاد  
کند. اگر امتیاز با مجلس شورای ملی  
است، حدوداً و یقائاً با مجلس شورای  
ملی است...»<sup>(۷۸)</sup>

۱۷- هیچ کاری مقدم بر حفظ دیانت،  
قومیت و ملیت نیست.

مدرس در جلسه ۱۹۳ مورخ ۱۰ صفر  
۱۳۴۴ می گوید:

«... باید یک قدمهایی که مقتضای حفظ  
دیانت و حفظ قومیت و حفظ ملیت  
خودمان است، در این مورد برداریم و  
هیچ کاری و هیچ چیزی را مقدم بر این  
کار قرار ندهیم...»<sup>(۷۹)</sup>

۱۸- دولت و مجلس مکلفند برای فراهم  
کردن راحتی مردم و حداقل معاش به قدر  
میسور تلاش کنند.

مدرس در جلسه ۲۰۰ مورخ ۸  
ربیع الاول ۱۳۴۴ می گوید:

«... دولت و مجلس، تمام مکلفند بذل  
جهد کنند از برای اینکه به قدر میسور  
راحتی مردم را از جهت معاش اقل  
فراهم کنند...»<sup>(۸۰)</sup>

۱۹- مالیات گندم، جو و شلتوک باید  
جنسی و سایر چیزها نقدی باشد.

مدرس در جلسه ۲۲۰ مورخ ۵  
جمادی الاول ۱۳۴۴ می گوید:

«... بنده هم این فلسفه را قبول دارم و  
عقیده دارم که [مالیات] گندم و جو و  
شلتوک باید در مملکت جنسی و سایر  
چیزها نقدی باشد... ممیزی را نسبت به  
گندم و شلتوک و جو جنسی فرار  
دهند، ولی دهندگان را مختیر کنند که یا  
عین جنس را بدهند و یا قیمت عادلانه  
آن را به دولت بپردازند و با این ترتیب  
نه مردم و نه دولت هیچ یک را به  
زحمتی نخواهند انداخت...»<sup>(۸۱)</sup>

۲۰- مردم نباید مجبور باشند که حکماً  
جنس خودشان را به دولت بفروشند.

مدرس در جلسه ۲۲۰ مورخ ۵  
جمادی الاول ۱۳۴۴ می گوید:

«... وضعیت جنسی باید طوری باشد  
که اختیارش به دست شخص معینی  
نباشد، خواه دولت باشد خواه مردم.  
دولت جنس دارد، مردم هم جنس  
دارند. اما مردم نباید مجبور باشند که  
حکماً جنس خودشان را به دولت

گلوله خورد دست می کنیم بیسیم خسته شده  
است یا به اگر خسته شده است بر او نماز  
می کنیم و او را دفن می نماییم و الا که هیچ  
پس هیچ فرق نمی کند، دیانت ما عین  
سیاست ما هست، سیاست ما عین دیانت ما  
است ما با همه دوستیم مادامی که ما دوست  
باشند و متعرض ما نباشند، همان قسم که به ما  
دستور العمل داده شده است رفتار می کنیم.»

←

۷۸- پیشین، ص ۱۳۴۹.

۷۹- پیشین، ص ۱۳۷۷.

۸۰- پیشین، ص ۱۴۲۱.

۸۱- پیشین، ص ۱۵۳۱.

اول مسأله مهم مملکت رابه اقتصادیات فرمودند و عقیده من هم این است که دولت و مجلس باید همتش را بر این بگذارد. (و معنی اقتصادی همین است) که نسیه را نقد و چیز شأنی را فعلی کند. این معنی اقتصادیات است و این از آن چیزهایی است که شأنی است و باید فعلی شود...»<sup>(۸۵)</sup>

۲۴- ما باید با تمام دولتهای جهان به ویژه با کشورهای همسایه روابط حسنه داشته باشیم.

مدرس در جلسه ۲۵۳ مورخ ۲۷ رجب ۱۳۴۴ می گوید:

«... چون از ناحیه ما زیانی نیست، چه زیان سیاسی یا پلیتیکی نسبت به تمام دول خصوص با دول همسایه، بلا استثنا و همیشه در سیاست و در اقتصاد نظر خوب روابط حسنه داشته ایم و باید هم داشته باشیم. سیاست ما مقتضی است که بلااستثنا من غرب و شرق و شمال و جنوب، عقیده سیاسی من این است، عقیده دینی من این است که با همسایگان مملکتمان باید سیاست و اقتصاد و تمام خصوصیتان روابط حسنه و خوب باشد...»<sup>(۸۶)</sup>

بدهند و از دولت به هر قیمت که دلش می خواهد جنس را بفروشد، بخرند...»<sup>(۸۲)</sup>

۲۱- ما نباید در مقابل وقایع و حوادث جهان اسلام بی تفاوت باشیم.

مدرس در جلسه ۲۲۶ مورخ ۲۱ جمادی الاول ۱۳۴۴ می گوید:

«... ما نباید در مقابل این وقایع و حوادث [جهان اسلام] خاموش و خموده باشیم، بلکه باید به اندازه استعداد و قوه خودمان همیشه مراقب و مواظب باشیم...»<sup>(۸۳)</sup>

۲۲- اجازه استخدام متخصص خارجی با مجلس شورای ملی است.

مدرس در جلسه ۲۵۱ مورخ ۲۵ رجب ۱۳۴۴ می گوید:

«... [دولت] می خواهد متخصص برای نقشه برداری راه آهن بیاورد، اجازه اش را از مجلس شورای ملی بگیرد، می خواهد متخصص برای کارخانه آهن آبکن بیاورد، اجازه اش را از مجلس بگیرد...»<sup>(۸۴)</sup>

۲۳- اقتصاد مسأله مهم کشور است و دولت و مجلس باید همتشان را بر این امر بگذارند.

مدرس در جلسه ۲۵۳ مورخ ۲۷ رجب ۱۳۴۴ می گوید:

«... بنده اساساً عقیده ام بر این است. دو هفته قبل هم خاطرتان می آید، آقایانی که در اقتصادیات مذاکره می فرمودند،

۸۲- پیشین، ص ۱۵۳۱.

۸۳- پیشین، ص ۱۵۶۷.

۸۴- پیشین، ص ۱۷۷۸.

۸۵- پیشین، ص ۱۸۲۹.

۸۶- همان.

## ۶- مدرس در دوره ششم مجلس شورای ملی

مدرس در دوره ششم مجلس شورای ملی درباره مباحث گوناگونی نظرات فقهی خویش را اظهار کرده است که مهمترین آنها عبارت است: واگذاری امور به مردم، حکومت قانون اساسی، اقتدار مجلس شورای ملی، استقراض خارجی، مالیات، انتخابات، استقلال کشور، اراده ملت، ثبت املاک، ارتش و تمدن. مواضع فقهی مدرس در این دوره به قرار زیر است:

۱- خود را مکلف می دانستم با عاقد قرارداد ۱۹۱۹ بجنگم.

مدرس در جلسه ۱۱ مورخ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۴۵ می گوید:

«... من خود را مکلف می دانستم با کسی که این قرارداد [۱۹۱۹] را بست، جنگ کنم. جنگ هم کردم و زدم از میدان درشان کردم. اگر هم از میدان در نمی رفتند تلفشان می کردم، ولو اینکه این عقد فضولی بود...»<sup>(۸۷)</sup>

۲- «می خواست» در جنایات مجازات دارد، نه در حقوق.

مدرس در جلسه ۱۱ مورخ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۴۵ می گوید:

«... یکی خواست عباى مرا ببرد، من زدم نوى گوشش و بنده حالا چكارش كنتم؟... مى خواست در جنایات مجازات دارد، نه در حقوق...»<sup>(۸۸)</sup>

۳- هر چه قانون اساسی حکم کند متبع است.

مدرس در جلسه ۱۱ مورخ ۱۳

ربیع الاول ۱۳۴۵ می گوید:

«... حاکم با قانون اساسی است. هر چه او حکم کرد متبع است...»<sup>(۸۹)</sup>

۴- انتقاد، نزاحم و معارضه برای احقاق حقوق شخصی و اجتماعی - ولو به قیمت جان طرف مقابل تمام شود - جایز است.

مدرس در جلسه ۱۱ مورخ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۴۵ می گوید:

«... تنقید [انتقاد] و نزاحم و معارضه از برای حقوق شخصی و از برای حقوق اجتماعی در حال عمل برای منتقدین به هر قیمتی جایز است، ولو طرف را تمام کند...»<sup>(۹۰)</sup>

۵- قانون پس از تصویب مجلس نافذ است.

مدرس در جلسه ۱۱ مورخ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۴۵ می گوید:

«... هر کس هر چه را آورد اینجا، بعد از آنکه ما تصویب کردیم، آن اثر

● سخنان مدرس در جلسه ۲۱۰ پنجمین و هفتم جلدی ۱۳۰۱ بسراسر بسا مسلخ جمادی الاولی ۱۳۴۱، در بحث اظهار تنفراز مظالم انگلیس در بین النهرین: «در این مدت اخیره یک اطلاعات و نوشتجات، بلکه یک احکامی از حجج الاسلام عتبات عالیات راجع به وضعیات بین النهرین می رسد، لذا بنده خیلی خوب و مناسب دیدم (با مشاوره خیلی از آقایان) یک اظهاراتی در موضوع

۸۷- پیشین، ص ۱۰۴.

۸۸- پیشین، ص ۱۰۴.

۸۹- پیشین، ص ۱۰۶.

۹۰- پیشین، ص ۱۰۶.

مورد استفاده بشود فروخت، یا به رعیت یا به مالک و یا عوض حقوق به ارباب حقوق داد که بروند آباد کنند، استفاده کنند و دولت هم از تحمل مخارج گزاف آنها و دادن حقوق آسوده شود و قطعاً اگر من یا دیگری صاحب یک ملکی باشیم که در دست دولت صد خروار عایدی دارد و به دست ما صد و پنجاه خروار عایدی خواهد داشت، همین برای مملکت مفید است...»<sup>(۹۳)</sup>

۸- ما نمی‌توانیم با استقراض اقتصادمان را اصلاح کنیم.

مدرس در جلسه ۱۳ مورخ ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... به عقیده من ما نمی‌توانیم پول از خارج بیآوریم، اقتصادمان را درست کنیم. ما نمی‌توانیم پول قرض کنیم، اقتصادمان را اصلاح کنیم...»<sup>(۹۴)</sup>

۹- ما ولی نیستیم، وکیل هستیم و باید نظر موکلین خود را بدانیم.

مدرس در جلسه ۷۶ مورخ ۱۴ رمضان ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... ما یک مفهوم وکالتی داریم، یک مفهوم ولایتی. گمان می‌کنم ما که آمده‌ایم اینجا می‌گوییم وکیلیم، ولی نیستیم. ولی آن‌کس است که آنچه خودش مستقلاً

خواهد داشت. والا اثر ندارد...»<sup>(۹۱)</sup>

۶- در برنامه‌های دولت و مجلس شورای ملی باید مقتضیات و احتیاجات مدنظر قرار گیرد.

مدرس در جلسه ۱۳ مورخ ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... پروگرام را چه دولت بدهد و چه مجلس تصویب کند، باید به مقتضیات و احتیاجات دقت بالخصوص باشد که بینیم امروز چه باید بکنیم که از برای مردم نفعی متصور باشد و ضرری هم متوجه نشود...»<sup>(۹۲)</sup>

۷- املاکی که به واسطه عدم توجه دولت در شرف خرابی است، باید برای سوددهی بیشتر و رهایی دولت از تحمل مخارج گزاف به مردم واگذار شود.

مدرس در جلسه ۱۳ مورخ ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... تجربیات به ما نشان داده است که دولت نه ملاک خوبی است، نه تاجر خوب و نه مدیر حمل و نقل خوب، و هر چه به این کارها دست بزنند موجبات خسارت و ضرر دولت است... تصور نشود خالصجات فقط املاک مزروعی است. بلکه خیلی کاروانسرا، ملک خانه و غیره است که خالصه است و به واسطه عدم توجه دولت خراب می‌شود و دولت هم نمی‌تواند آنها را آباد کنند...»

این املاک را باید به طوری که

۹۱- پیشین، ص ۱۰۶.

۹۲- مذاکرات مجلس، پیشین، ص ۱۲۵.

۹۳- مکی، پیشین، جلد ۲، ص ۶۷۴.

۹۴- پیشین، ص ۷۶۶.

صلاح می‌داند، اجرا کند. وکیل این است که نظر موکلینش را هم بداند...»<sup>(۹۵)</sup>

۱۰- دخل و خرج دولت باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

مدرس در جلسه ۸۰ مورخ ۳۰ رمضان ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... هر پولی که از مردم می‌خواهند بگیرند، باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد. هر چه هم خرج بشود، آن هم باید به تصویب مجلس شورای ملی باشد...»<sup>(۹۶)</sup>

۱۱- باید یک چیز را فهمید، بعد رأی داد. مدرس در جلسه ۸۴ مورخ ۷ شوال ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... باید یک چیز را فهمید، بعد رأی داد...»<sup>(۹۷)</sup>

۱۲- جریان انتخابات وقتی معیوب شد، هر کس رأی دارد معیوب است. مدرس در جلسه ۸۹ مورخ ۱۶ شوال ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... اگر وکیلی به واسطه عیب در صحت جریان [انتخابات] رد شد، نوبت به تالی و تالی و تالیش هم هرگز نمی‌رسد. به جهت اینکه جریان انتخابات وقتی معیوب شد، هر کس رأی دارد، معیوب است...»<sup>(۹۸)</sup>

۱۳- ادای دین - حتی در صورت عدم تقاضای طلبکار - واجب است.

مدرس در جلسه ۹۳ مورخ ۲۳ شوال ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... بنده عقیده‌ام این است که اگر ما بدهی داشته باشیم، ولو اینکه طرف هم

هیچ نکوید - باید خودمان برویم در خانه طرف و در بزیم و به او بگوییم بیا و یک شاهی طلبت را بستان...»<sup>(۹۹)</sup>

۱۴- بانکها باید به اشخاص معتبر یا افرادی که به وسیله اشخاص معتبر معرفی و ضمانت می‌شوند، وام بدهند.

مدرس در جلسه ۹۷ مورخ ۱ ذی‌قعدة ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... مقصود این است که بانک را ما در این مملکت تأسیس می‌کنیم که آدمهایش ماییم. یک نفر می‌آید قرض می‌خواهد. نه ملک دارد و نه مال دارد، معتبر است. این معتبر بودن شخص، خودش یک عنوانی است که بعضی اشخاص معتبرند، یعنی مال مردم را که می‌گیرند پس می‌دهند. این را می‌گویند معتبر...»

من عقیده‌ام این است که باید [به این شخص قرض] داد، و یا اینکه خیر

بین النهرین و وضعیات آنجا به مجلس مقدس عرض کنم... و بلکه این قطعه بین النهرین که امروز اسمش عراق عرب است و قبل از این به واسطه مجاورت با حریره العرب مستعرب شد، اساساً یک قطعه اصلی از ایران بود (صحیح است). ما روحاً و جسماً از هر جهت به آن زمین و اهالی آنجا علاقه‌مند هستیم و به واسطه آن مشاهده مشرفه و مترکه یک قسمت بزرگ ←

۹۵- پیشین، ص ۱۹.

۹۶- پیشین، ص ۲۴.

۹۷- پیشین، ص ۲۵.

۹۸- پیشین، ص ص ۳۰ تا ۳۱.

۹۹- پیشین، ص ۳۶.

خوب و عالی داشت، به خارج فرستاد...»<sup>(۱۰۳)</sup>

۱۸- مجلس شورای ملی باید قانون وزارت خارجه را مقدم بر تمام وزارتخانه‌ها بنویسد.

مدرس در جلسه ۱۰۹ مورخ ۲۲ ذیقعدة ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... مجلس شورای ملی باید قانون وزارت خارجه را مقدم بر تمام وزارتخانه‌ها بنویسد... هر مأموری که از خارجه‌ها می‌آید توی این شهر، من که یک نفر وکیل و آخوندم و با هیچ کس مربوط نیستم، مرا می‌شناسد. تاریخم را می‌داند، سبجل احوالم را می‌داند... اما مأمور ما ... هر کدامش را می‌دیدیم، با آنها داخل مذاکره می‌شدیم که چه می‌کنید؟ می‌گفتند حفظ تبعه ایران. هر کجا هم می‌رفتیم می‌دیدیم تبعه ایران می‌آیند شکایت می‌کنند از دست مأمور ایران ... عظمت سفارتخانه ما به این نیست که صد دینار به حقوق منشی آن اضافه می‌کنیم و مأموران ما بروند در کاروانسرا و توی هتل منزل کنند و هر که وارد می‌شود، عوض اینکه پذیرایی کنند، یک توقعی از او بکنند...»

چرا ما باید وزیر مختار نداشته

خودش اعتبار ندارد، ملک ندارد، پول ندارد، اما شخص معتبر ضمانت او را می‌کند. من اعتقاد این است که به او هم باید پول قرض داد. پس یا باید اموال متقول یا غیرمتقول رهن بگذارد، یا خودش معتبر باشد، یا شخص معتبری ضمانتش بشود، یا مؤسسه ضمانتش بشود و به او پول بدهند...»<sup>(۱۰۰)</sup>

۱۵- دولت نباید برخلاف قانون قدمی بردارد.

مدرس در جلسه ۱۰۱ مورخ ۸ ذیقعدة ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... دولت نباید بر خلاف قانون قدمی بردارد...»<sup>(۱۰۱)</sup>

۱۶- وظیفه دولت اجرای قوانین مجلس شورای ملی است.

مدرس در جلسه ۱۰۱ مورخ ۸ ذیقعدة ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... دولت غیر از اجرای قوانینی که مجلس شورای ملی تصویب کرده، هیچ کار و وظیفه ندارد...»<sup>(۱۰۲)</sup>

۱۷- وزارت خارجه را باید ابهت داد و سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای ایران را در کشورهای خارجی عظمت بخشید.

مدرس در جلسه ۱۰۹ مورخ ۲۲ ذیقعدة ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... وزارت خارجه را باید ابهت داد.

باید سفارتخانه‌ها و کنسولخانه‌ها را در دنیا عظمت داد و هر مأمور فوق‌العاده

۱۰۰- پیشین، ص ۴۱ تا ۴۲.

۱۰۱- پیشین، ص ۴۵.

۱۰۲- پیشین، ص ۴۵.

۱۰۳- پیشین، ص ۴۵.

نظارت کند.

مدرس در جلسه ۱۱۵ مورخ ۷ ذیحجه ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... اگر قانون اجرا نشود و توی ذهن مردم بخورد، برای ما تعریفی ندارد. ما باید قانون درست کنیم که به درد مردم بخورد و صلاح مردم باشد. وقتی که اسباب زحمت مردم باشد، فایده ندارد. پس این مسأله از مسایلی است که بنده تذکر می‌دهم که فکرشان را صرف کنند، هم در اصلاح قانون و هم در نظارت اجرا... اگر کاری می‌شود، باید مطابق قانون بشود، والا خوب است کاری نشود...» (۱۰۷)

۲۲- دولت باید تابع قوانین مجلس شورای ملی باشد.

مدرس در جلسه ۱۱۵ مورخ ۷ ذیحجه ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... هر کدام اینها دولت مستقلی هستند، باید تابع قوانین این مجلس

بلکه اکثر مسلمانان دنیا متوجه به آن ارض هستند (صحیح است).  
... یا وجود این دولت انگلیس که همیشه غمخوار عالم به خصوص مسلمانهاست (یک روز رأفت و تلافش نسبت به ایرانیها متوجه می‌گردد و آن قرارداد کذا و کذا (اشاره به قرارداد ۱۹۱۹) را که حقیقت و حالش معلوم است می‌گذارد) بالاخره در بین‌النهرین یک قراردادی بنا امیر حایله ←

۱۰۴- پیشین، ص ۵۱ تا ۵۲.

۱۰۵- پیشین، ص ۶۳.

۱۰۶- پیشین، ص ۶۶.

۱۰۷- پیشین، ص ۶۹.

باشیم در ممالک آسیایی؟ در ژاپن داشته باشیم، در چین داشته باشیم؟ اما بدبختانه ما هنوز حلاوت استقلال و حلاوت سطوت و سلطنت را نچشیده‌ایم... اگر ما آن سفیری که از اینجا می‌فرستیم، دستور این باشد که اگر آن دولت بخواهد با ما صحبت کند، با نماینده ما داخل مذاکره بشود، بنده می‌گویم صد هزار تومان خرج آن سفیر بکنیم ارزش دارد... چرا باید وزارت خارجه که حقیقتاً استقلال‌نامه دولت و ملت بسته به وزارت خارجه است، ما یک قانون صحیح از مجلس گذشته نداشته باشیم؟...» (۱۰۴)

۱۹- وزارتخانه‌ها باید قانون تشکیلاتی و شرح وظایف داشته باشند.

مدرس در جلسه ۱۱۵ مورخ ۷ ذیحجه ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... هر وزارتخانه یک قانون تشکیلاتی می‌خواهد و یک وظایفی که آنها عمل کنند. چه داخله باشد، چه خارجه...» (۱۰۵)

۲۰- تمام امور در حکومت ملی باید به اراده ملت انجام یابد و اراده ملت حاکم است.

مدرس در جلسه ۱۱۵ مورخ ۷ ذیحجه ۱۳۴۵ می‌گوید:

«... هر کاری در مملکت حکومت ملی باید به اراده ملت باشد و باید مجلس شورای ملی رأی بدهد... اراده ملت حاکم است...» (۱۰۶)

۲۱- قوانین مجلس شورای ملی باید به صلاح مردم باشد و مجلس بر اجرای آنها



نباید خرج انتخاب خودشان کنند.  
 مأمورین این قدرتی که در محل دارند  
 از ملت است. قدرت خودشان نیست.  
 این را نباید خرج منافع و مقاصد  
 خودشان بکنند...» (۱۱۱)

۲۶- یک شاهی بیجان باید خرج شود، ولو  
 در مصیبت حضرت سیدالشهداء (ع) باشد.  
 مدرس در جلسه ۱۳۵ مورخ ۲ صفر  
 ۱۳۴۶ می گوید:

«... ما حاضر نیستیم یک شاهی بیجا  
 خرج شود، ولو در مصیبت حضرت  
 سیدالشهداء (ع) باشد...» (۱۱۲)

۲۷- اگر شهرداری غیرقانونی  
 باشد، هزینه کردن در آن و استفاده از  
 بودجه کشور در امور مربوط به  
 شهرداریها نامشروع است.

مدرس در جلسه ۱۴۱ مورخ ۱۴  
 ربیع الاول ۱۳۴۶ می گوید:

«... بنده عرض می کنم که با تمام این  
 بلدیه ها مخالفم، مگر اینکه قانونی  
 باشد... اگر بلدیه غیرقانونی باشد - ولو  
 اینکه یک کارهای فوق العاده خوبی هم  
 بکند - چون برخلاف این قانون است،  
 این پول خرج کردن مشروع نیست... از  
 پسرول مملکتی خرج بلدیه کردن  
 غیر مشروع است. باید از پولی که پول

باشند. نمی خواهند باشند،  
 نمی خواهند. آنها را به خیر ما را به  
 سلامت...» (۱۰۸)

۲۳- مسأله نظری در کشوری که  
 حکومتش ملی است و مجلس شورای ملی  
 در آن حکومت می کند، باید در مجلس  
 مطرح شود.

مدرس در جلسه ۱۱۵ مورخ ۷ ذیحجه  
 ۱۳۴۵ می گوید:

«... مسأله نظری در مملکتی که  
 حکومتش ملی است و مجلس شورای  
 ملی حاکم است، باید در مجلس مطرح  
 شود...» (۱۰۹)

۲۴- حکومت ما حکومت ملی است و  
 تمام امور باید به رأی مجلس باشد.

مدرس در جلسه ۱۱۵ مورخ ۷ ذیحجه  
 ۱۳۴۵ می گوید:

«... بنده عقیده ام این است که هر کاری  
 خوب یا بد، باید مجلس شورای ملی  
 آن را تصویب کند. حالا هم عقیده ام  
 این است که هر کاری باید بشود، باید  
 به رأی مجلس باشد. اعم از اینکه  
 خوب شود یا بد، زیرا حکومت ما  
 حکومت ملی است...» (۱۱۰)

۲۵- قدرت مأموران دولت از ملت است  
 و نباید آن را در راه منافع و مقاصد خودشان  
 به کار گیرند.

مدرس در جلسه ۱۲۶ مورخ ۳ محرم  
 ۱۳۴۶ می گوید:

«... قدرت ملت را که مأمورین دارند

۱۰۸- پیشین، ص ۷۰.

۱۰۹- پیشین، ص ۷۱.

۱۱۰- پیشین، ص ۷۱.

۱۱۱- پیشین، ص ۷۸.

۱۱۲- پیشین، ص ۸۴.

بلدی است یا از چیزی که جای پول  
بلدی است خرج کنند...» (۱۱۳)

۲۸- هر چیزی که مالک و متصدی قانونی  
ندارد، باید توسط شهرداری اداره شود.  
مدرس در جلسه ۱۴۲ مورخ ۱۶  
ربیع الاول ۱۳۴۶ می گوید:

«... چیزهایی که عمومی و بلا مالک  
است، مراد این است که یک مالک  
مشخصی ندارد، مثل خندق... البته  
مالکش تمام مردمند. ولی بعضی چیزها  
هست که عمومی است و مالک مشخصی  
ندارد. لکن متصدی شخصی قانونی  
دارد، مثل خیلی از اوقاف، خیلی از  
اوقاف هست عمومی است. مالک هم  
ندارد. اما متصدی قانونی دارد، متولی  
قانونی دارد... اداره کننده قانونی که  
ندارد، بلدی باید اداره کند... هر چیزی  
که مالک و متصدی قانونی ندارد...  
البته بلدی باید اداره کند...» (۱۱۴)

۲۹- بودجه و مالیات شهرداریها در  
شهرها باید توسط مجلس شورای ملی  
تصویب شود.

مدرس در جلسه ۱۴۲ مورخ ۱۶  
ربیع الاول ۱۳۴۶ می گوید:

«... اولاً اینجا مرقوم فرموده اید که کلیه  
عوارض و عایدات حوزه بلدی به  
مصرف بلدی برسد. این عبارت  
بأطلاق نمی توانیم ما چنین اختیاری را  
به انجمن بلدی بدهیم که خودش برود  
عایدات برای خودش جعل کند و  
خودش هم مصرف معین کند. در این  
مسأله بنده پیشنهاد کردم که انجمن

بلدی باید عایداتی برای مخارج بلد  
معین کند. تصدیق بکند. بعد به توسط  
وزارت داخله به مجلس شورای ملی  
پیشنهاد بکند. مجلس شورای ملی که  
تصویب کرد، آن وقت به موقع اجرا  
گذاشته شود... اگر خودش هر عایدی  
که منظور نظرش بیاید آن را جعل کند،  
به عقیده بنده این قانون با این اختیار  
امروز صلاح نیست که ما در این  
مملکت اختیار جعل مالیات بلدی را به  
دست انجمنهای بلدی بدهیم...

این مالیاتی که شما اجازه داده اید  
بلدی به وضع کند، این مالیاتها معمول  
بوده و دم دروازه از اموال و اجناس  
گرفته می شد، و ما اینها را برداشتم و  
عوضش را در سرحدات قرار دادیم.  
شما آن عوض را به حال خود باقی  
می گذارید و باز می گردید سرِ اولی...  
عقیده ام بر این است که عایدات  
بلدیها یک میزان ندارد. هر بلدی  
محل عایدات و عوارض یک طور

(آنچه شنیده و پرسیده و فهمیده ام قرارداد  
یک طرفی محسوب است - بعضی  
نمایندگان: صحیح است) منعقد نموده آن هم  
الآن مسکوت عنه مانده است. بالاخره بنای  
اهالی آنجا شده که افتتاح یک مجلس ملی  
بکنند که آن هم جزء قرارداد است و  
به واسطه یک خصوصیتی که ضررش بین  
است، اهالی فعلاً مایل نیستند و آنچه خبر  
می رسد و اطلاع داریم به فشارهای صوری  
←

۱۱۳- پیشین، ص ص ۹۱ تا ۹۰.  
۱۱۴- پیشین، ص ۹۲.

مملکت ایران اینجا است. ایران غیر از اینجا نقطه قضا و قدر ندارد ... هر چه متعلق به ایران واقع شود، بعد از تصویب اینجا باید اجرا شود. هر کس هر کاری بکند یا وکیل است یا فصولی است. البته معامله فصولی را مالکش باید امضا کند و از باب اتفاق مالکش اینهایی هستند که در اینجا نشسته‌اند ... یک وزیری برود یک جا امضا کند، بگوید بعد از امضا به موقع اجرا گذارده شود، نمی‌شود، فصولی است... فقط تصدیق و تکذیب صاحب مال اثر دارد ... هر کاری وزیر یا دولت یا امثال ذلک بکنند، بدون اینکه اینجا تصویب شود، یکی اسمش را بگذارد مقاله، یکی اسمش را بگذارد مکاتبه، یکی اسمش را بگذارد معاهده. تمام اینها غلط و دروغ است... هر چه که ارتباط با ضرر و نفع این مملکت داشته باشد، اینجا نقطه قضا و قدرش است...» (۱۱۸)

۳۳- قانون اساسی رساله عملی دولت ایران است.

مدرس در جلسه ۱۵۲ مورخ ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۴۶ می‌گوید:  
«... قانون اساسی رساله عملی دولت ایران است...» (۱۱۹)

است... یک جا باید عوارضش بر چوب بسته شود و یک جا بر چیز دیگر ... در هر صورت بنده پیشنهادم این است که انجمن بلدی یک مالیاتی در نظر بگیرد، یعنی تصدیق کند و به توسط وزارت داخله به تصویب مجلس شورای ملی برسد. آن وقت به موقع اجرا گذارده شود...» (۱۱۵)

۳۰- در شهرهایی که دارای اراضی مفتوح‌العنوه است، عوارض و مالیات شهرداری را باید بر اراضی بست.

مدرس در جلسه ۱۴۲ مورخ ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۴۶ می‌گوید:

«... اغلب شهرهای ایران که اراضی

مفتوح‌العنوه است، به عقیده من عوارض

بلدیه‌اش را باید بر اراضی بست...» (۱۱۶)

۳۱- نامزد شدن برای نمایندگی مجلس شورای ملی برای افرادی که صلاحیت وکالت را دارند واجب است.

مدرس در جلسه ۱۴۶ مورخ ۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۴۶ می‌گوید:

«... عقیده بنده این است که بعد از

خراب شدن استبداد هر کس خودش را

قابل وکالت مجلس شورای ملی بداند،

بر او واجب است قبول کند...» (۱۱۷)

۳۲- مرکز ثقل و نقطه قضا و قدر کشور

ایران مجلس شورای ملی است.

مدرس در جلسه ۱۵۲ مورخ ۹

ربیع‌الثانی ۱۳۴۶ می‌گوید:

«... مرکز ثقل و نقطه قضا و قدر

۱۱۵- پیشین، ص ۹۵ تا ۹۷.

۱۱۶- پیشین، ص ۹۷.

۱۱۷- پیشین، ص ۹۹ تا ۱۰۳.

۱۱۸- پیشین، ص ۱۱۱ تا ۱۱۳.

۱۱۹- پیشین، ص ۱۱۲.

۳۴- بودجه کشور باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

مدرس در جلسه ۱۷۲ مورخ ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۴۶ می گوید:

«... بر فرض اینکه مملکت ما مشروطه باشد و ما دولت مشروطه باشیم، تمام جمع و خرج مفصله باید به تصویب مجلس شورای ملی باشد... من در این فرض حرف می زنم که ما مشروطه هستیم. تابع قانون اساسی هستیم. بودجه های مملکت از یک دینار که از مردم گرفته می شود و یک دینار که خرج می شود باید به تصویب مجلس شورای ملی باشد و بر طبق یک قانونی که قانون اساسی باشد تا مشروع بشود...» (۱۲۰)

۳۵- ثبت املاک لازم است.  
مدرس در جلسه ۲۰۸ مورخ ۱۸ شعبان ۱۳۴۶ می گوید:

«... در کتب فقها پر است - و يستحب للوالی والقاضی - این که امور واقعه را ثبت کنند. از برای اینکه ولی و قاضی که بعد می آید به آنها رجوع بکنند، مسبوق شود. خصوص نسبت به محجورین و معیوسین و غائبین و غیره ... ثبت کردن املاک ضروری ندارد. خدا هم در قرآن می فرماید که بنویسید و محکم کنید. ثبت کردن و محکم کردن هیچ نفی مالکیت کسی را نمی کند. استحکام مالکیت مرا می کند، اما نفی حق مرا نمی کند. مگر اسنادی که سابق درست می کردیم، به مهر آقایان حجج اسلام و مهر شهود معتبر نمی رساندیم...» (۱۲۱)

۳۶- دعوی باید عقلایی باشد.

مدرس در جلسه ۲۰۸ مورخ ۱۸ شعبان ۱۳۴۶ می گوید:

«... دعوی باید عقلایی باشد. اگر دعوی عقلایی نباشد، حاکم شرع هم گوش نمی دهد...» (۱۲۲)

۳۷- ایجاد مرور زمان از زمان منشأ دعوی است، نه از زمان تولید دعوی.

مدرس در جلسه ۲۰۸ مورخ ۱۸ شعبان ۱۳۴۶ می گوید:

«... منشأ و تولید، میانشان عموم و خصوص من وجه است. تولید یعنی آن چیزی که دعوی را بیاورد و آن بعد از اطلاع من است به واقعه. و این ممکن است مطابق با منشأ باشد و ممکن است مطابق با منشأ نباشد. منشأ دعوی این است که سبب حقانیت من شده است. ممکن است آن سبب را من مطلع شده باشم یا بعد مطلع شوم... منشأ دعوی آن است که اگر

و معنوی انگلیسها (که هنوز من نمی دانم نسبتشان با این خاک چه نسبتی است) گرفتارند. عقلا و رؤسای آنجا تمام اظهار نگرانی و عدم رضایت از این انتخاب کرده اند تا به جایی رسیده است که علماء که مرجعند نوشته اند: این انتخاب مشروع نیست و برای اسلام و مسلمانان ضرر دارد (صحیح است).  
بنده با این ترتیبی که نسبت به دخالت

۱۲۰- پیشین، ص ۱۲۳ تا ۱۲۴.

۱۲۱- پیشین، ص ۱۶۵.

۱۲۲- پیشین، ص ۱۶۹.

«... ما دولتهای خودمان را از خودمان و مسلمان می‌دانیم و باید اعمالش را مثل اعمال خودمان بدانیم...» (۱۲۵)

۴۰- رسیدگی به وضع افرادی که در راه انجام وظیفه مجروح و معلول می‌شوند از اهم امور است.

مدرس در جلسه ۲۱۸ مورخ ۱۱ رمضان ۱۳۴۶ می‌گوید:

«... اگر [شخصی] رفت به جهت اداره وظیفه مملکتی و تنظیمات و ترتیبات آن. اگر دستش را گلوله برد، پول دستش را از خزانه عمومی، از خزانه وزارت جنگ به او بدهید... اگر یک چنین چیزی شما در وزارت جنگتان بگذارید که اگر کسی ناقص شد، یک پولی به او بدهید که زندگی کند، از اهم امورات...» (۱۲۶)

۴۱- قانون کشوری مسلمی که قانون ماهیات کار است باید از سوی همه رعایت شود.

مدرس در جلسه ۲۲۴ مورخ ۲۶ رمضان ۱۳۴۶ می‌گوید:

«... قانون مملکتی مسلمی که قانون ماهیات کار است، جاهل باید اینها را مراعات بکند، محکمه باید مراعات بکند، همه کس باید مراعات بکنند. آنچه نباید مراعات کند، کیفیات ترتیب اداری است و تشکیلات محاکمه که

دعوی من ثابت شد، اجرة المثل تا آن وقت را می‌خواهم، ولو به ارث از پدرم به من رسیده، اما مدتی من نمی‌دانستم و حالا اطلاع پیدا کرده‌ام که این مال از پدر به من رسیده است. اما حالا من ملتفت شده‌ام. ایجاد مرور زمان از زمان منشأ دعوی است، نه از زمان تولید دعوی...» (۱۲۳)

۳۸- تفتیش و تفحص دولت در انتخابات مجلس شورای ملی بر خلاف قانون و به ضرر انتخابات است.

مدرس در جلسه ۲۱۳ مورخ ۲۶ شعبان ۱۳۴۶ می‌گوید:

«... اصلاً مفتش فرستادن دولت در انتخابات وکلای مجلس شورای ملی خلاف قانون است. هیچ تفتیش در انتخابات ربطی به دولت ندارد. در هر حوزه، انجمن نظار مکلف است که بر طبق قانون انتخابات، انتخابات آن حوزه را تمام کند و راپورتش را بدهد. عقیده من این است که آن پولی را که دولت به مفتشین می‌دهد که بروند تفتیش کنند در اطراف مملکت، این برخلاف قانون انتخابات و بر ضرر انتخابات است...» (۱۲۴)

۳۹- ما دولتهای خودمان را از خودمان و مسلمان می‌دانیم و باید اعمالش را مثل اعمال خودمان بدانیم.

مدرس در جلسه ۲۱۶ مورخ ۶ رمضان ۱۳۴۶ می‌گوید:

۱۲۳- پیشین، ص ۱۷۲  
 ۱۲۴- پیشین، ص ۱۷۶  
 ۱۲۵- پیشین، ص ۱۸۲  
 ۱۲۶- پیشین، ص ۱۹۹

فهمیدند که خیر، این ربطی به مسلمانها ندارد. روز اول که این جنس آدمیزاد در دنیا به پا شد، این مسأله مضر بوده است. هیچ دینی و مذهبی این را حلال نکرده. ممکن نیست چیزی که مضر است حلال شود. اصلاً محال است. دنیا خوب این مسأله را فهمید که این چیز مضر است. مضرها دو جور است. حرامهایی که ما داریم دو جور است. بعضی حرامها هست که بر بزرگها حرام است، بر کوچکترها حرام نیست. بعضی حرامها هست که بر آدم حرام است، بر حیوان حرام نیست. حیوان، گوسفند، اسب، اگر آدم دید یک حیوانی شراب می خورد باید نگذارد. واجب است که نگذارید. زیرا جسمش را خراب می کند. مضر است، خراب می کند.

حضرت امیر [ع] می فرمایند اگر یک قطره مسکری در چاهی بریزد و آن چاه

انگلیس در بین النهرین عرض کردم در این مجلس که مرکز مسلمانان است و می توانم بگویم توجه اکثر مسلمانان دنیا به ایران است اظهار تنفر از این فشار و ناملایماتی که از طرف انگلیسها به اهالی بین النهرین دارد می آید، می کنم. (از طرف نمایندگان صحیح است، احسنت، احسنت).

حکمین نباید مراعات کنند...» (۱۲۷)  
۴۲- صلح در مواردی که مخالف قوانین کشور - چه راجع به مذهب و چه راجع به قوانین اساسی و اصول مملکتی - باشد، باطل است.

مدرس در جلسه ۲۲۴ مورخ ۲۶ رمضان ۱۳۴۶ می گوید:

«... اگر دو نفر نشستند و صلح دادند و مورد صلح یک مسأله شد که مخالف قوانین مملکتی شد، آن صلح درست نیست. صلح اگر واقع شد در یک چیزی که مخالف قوانین مسلمانه مملکتی چه راجع به مذهب باشد و چه راجع به قوانین اساسی و اصول مملکتی باشد، باطل است...» (۱۲۸)

۴۳- در اداره امور سیاسی و اقتصادی کشور باید از تجربیات سایر کشورها استفاده کنیم.

مدرس در جلسه ۲۳۸ مورخ ۱۲ ذیقعده ۱۳۴۶ می گوید:

«... این را تصدیق بفرمایید که ما در اداره کردن مملکت در امور اقتصادی مملکتی و سیاسی باید تابع کسانی باشیم که بهتر از ما می دانند. نه اینکه به خیال خود یک کاری کنیم. آنها بهتر از ما می دانند، تجربه دارند...» (۱۲۹)

۴۴- چیزی که مضر است، ممکن نیست حلال شود.

مدرس در جلسه ۲۳۸ مورخ ۱۲ ذیقعده ۱۳۴۶ می گوید:

«... یک وقتی منع مشروبات اختصاص به مسلمانها داشت. عقلای دنیا

۱۲۷- پیشین، ص ۲۰۸.

۱۲۸- همان.

۱۲۹- صورت مذاکرات دوره ششم. پیشین، ص ۲۲۳.

هم صلاح اقتصادی دارد، هم صلاح عمومی دارد و هم این باقیات صالحات را بگذارید...» (۱۳۲)

۴۷- کشیدن تریاک یکی از گناهان کبیره و حرام است و کسی که تریاک می‌کشد باید تعذیر شود.

مدرس در جلسه ۲۶۲ مورخ ۲۴ محرم ۱۳۴۷ می‌گوید:

«... مقاسد مترتبه بر تریاک محل شبهه نیست. اگر می‌شد این مفسده به خصوص در ایران رفع می‌شد، ... مقصود خیلی خوبی بود... به عقیده بنده کشیدن تریاک یکی از گناهان کبیره و حرام است ... به عقیده بنده کسی را که تریاک می‌کشد باید تعزیر کرد...» (۱۳۳)

۴۸- دولت باید مخارج خود را از عایدات مردم تأمین کند، اما خودش نمی‌تواند عایدات کسب کند.

مدرس در جلسه ۲۶۲ مورخ ۲۴ محرم ۱۳۴۷ می‌گوید:

«... دولت در مملکت حافظ باید باشد. اگر می‌خواهد مالیه پیدا کند، باید از نفع یعنی چیزهایی که مردم پیدا می‌کنند بگیرد و خودش نمی‌تواند چیزی پیدا کند ... دولت بساید مایه‌الاحتیاج خودش را از عایدات مردم بگیرد. اما اگر بخواهد خودش

پر شود، سرش یک علف درآید و یک گوسفند آن علف را بخورد، من شیرش را نمی‌خورم. این برای چیست؟ برای حرمتش است؟ شیر که حرام نیست. این از باب ضرر و مفسده‌ای است که حالا که ما نکردیم، دنیا کردند و این مسأله را خوب فهمیدند...» (۱۳۰)

۴۵- از داروهای وارداتی نباید گمرکی دریافت کرد.

مدرس در جلسه ۲۳۸ مورخ ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۴۶ می‌گوید:

«... فقرة هتم را هم موافقم - شرابه‌ای طبی - اما با گمرکی که برایش گذاشته است مخالفم. اگر دوا است و ما نداریم، دیگر پول ازش می‌گیرید چکار کنید...» (۱۳۱)

۴۶- باید منکرات را - که غیر از ضرر چیز دیگری ندارد - ممنوع کرد.

مدرس در جلسه ۲۳۸ مورخ ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۴۶ می‌گوید:

«... عقیده من این است که این دولت بیاید مثل اینکه یک کار خوب دیگر هم مجلس کرد و مسالیات اصناف را برداشتیم و ان شاء الله مالیات ... را هم برداریم، این کار خوب را هم بکنیم و این منکرات را که غیر از ضرر چیز دیگری ندارد ممنوع کنیم. حرام‌خور هاما اگر بخواهند بخورند، این قدر تو ولایت خودمان هست. حلی عجیب و غریب است. این چه عقل اقتصادی است؟ این چه تمدن است...»

۱۳۰- پیشین، ص ۲۲۵ تا ۲۲۶.

۱۳۱- پیشین، ص ۲۲۶.

۱۳۲- پیشین، ص ۲۲۶.

۱۳۳- پیشین، ص ۲۴۰.

عایدات پیدا کند نمی تواند. اگر دولت بخواهد دلال یا تاجر یا کاسب بشود، جز اسباب زحمت چیز دیگری برای مردم نخواهد بود... (۱۳۴)

**فهرست منابع کتابها:**

- ۱- امین، سید محسن. اعیان الشیعه. جلد ۵ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات،
- ۲- باقی، عبدالعلی. مدرس مجاهدی شکست ناپذیر. قم: انتشارات گواه، ۱۳۷۰.
- ۳- ترکمان، محمد. مدرس در پنج دوره تقنینیه. جلد ۱ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۴- خواجه نوری، اباز یگران عصر طلایی، سید حسن مدرس. تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۷.
- ۵- صورت مذاکرات دوره پنجم. تهران: مجلس شورای ملی، قسمت اول و دوم.
- ۶- صورت مذاکرات دوره ششم. مجلس شورای ملی، جمع آوری توسط علی مدرس.
- ۷- صورت مذاکرات مجلس، دوره ششم تقنینیه. تهران: مجلس شورای ملی، شماره های ۱ تا ۳۴.
- ۸- عاقلی، باقر. روز شمار تاریخ ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی). تهران: نشر گفتار، ۱۳۷۲، ۲ جلد.
- ۹- عبدالناصر، جمال. موسوعة الفقه الاسلامی. جلد ۱۰.
- ۱۰- عمید زنجانی، عباسعلی. فقه سیاسی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷، ۳

جلد.

- ۱۱- مدرس، علی. مدرس. تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶، ۲ جلد.
- ۱۲- مدرس، علی. مدرس شهید نابغه ملی ایران. اصفهان: بنیاد فرهنگی و انتشاراتی بدر، ۱۳۵۸.
- ۱۳- مدنی، جلال الدین. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران. تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹، ۲ جلد.
- ۱۴- مدنی، جلال الدین. تاریخ سیاسی معاصر ایران. تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹، ۲ جلد.
- ۱۵- مقداد، فاضل. نضد القواعد الفقهیه.
- ۱۶- مکی، حسین. تاریخ بیست ساله ایران. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۶، ۸ جلد.
- ۱۷- مکی، حسین. خاطرات سیاسی. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸.
- ۱۸- مکی، حسین. مدرس قهرمان آزادی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸، ۲ جلد.
- ۱۹- نطقها و مکتوبات و یادداشت های پیرامون زندگی مجاهد شهید سید حسن مدرس. تهران: انتشارات ابوذر، ۱۳۵۵.
- ۲۰- همدانی، نادعلی. مدرس، سی سال شهادت. تهران: انتشارات غزالی، ۱۳۶۲.

**مجله ها:**

- ۱- مجلس و پژوهش، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره های ۱ تا ۱۶.

□ □ □